



برنامه تحویل مسکن اجاره‌ای



تابستان تاریخ صنایع

تابستانی که گذشت، زنگ خطر جدی برای صنعت ایران بود. فصلی که با قطع مکرر برق و کود را برای تولید به ارمان...

صفحه ۶

زنجیره معیوب قیمت گذاری گندم

شیوه قیمت‌گذاری گندم باعث شده است دولت مجبور به کنترل زنجیره تولید این کالای اساسی شود. کارشناسان...

صفحه ۴

خیز چین برای رهبری تجارت جهانی

بر اساس گزارشی از رویترز، پکن از ابهام و بی‌ثباتی ناشی از سیاست‌های تجاری ترامپ بهره‌جسته است تا...

صفحه ۲

برنامه تحویل مسکن اجاره‌ای

کریم حسن پور - معاون مسکن وزارت راه و شهرسازی از تأمین واحدهای مسکونی فاز اول «مسکن اجاره‌ای حمایتی» خبر داد. حبیب‌الله طاهر خانی با حضور در برنامه «خانه‌اول»، ضمن تشریح مراحل عرضه ۷۵ هزار واحد مسکونی اجاره‌ای، اعلام کرد: در مرحله ابتدایی، ۹۷۰۰ واحد در حدود ۵۰ شهر که عمده آنها کلان‌شهر و شهرهای بزرگ هستند.

شهرسازی به شکل مستقیم وارد طرح شود. وزارت راه و شهرسازی به‌عنوان نماینده دولت زمین در اختیار خود را اهرم ساخت مسکن استیجاری کرده و در عین حال با پرداخت تسهیلات ساخت مناسب از پیشبرد این طرح‌ها حمایت می‌کند. اجرای طرح می‌تواند توسط ۳ دسته مخاطب انجام شود، گزینه اول شامل نهادهای عمومی، خیریه‌ها، شهرداری‌ها و بنیاد مسکن می‌شود، گزینه دوم طرح شامل سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است که علاقه‌مند به ورود به طرح مسکن استیجاری با مدل طراحی‌شده هستند و گزینه سوم شامل موسسات اعتباری و اقتصادی، صندوق‌های تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی است که جامعه مخاطب داشته و در عین حال تمایل برای ورود به مسکن استیجاری دارند.

مدیریت واحدهای ساخته‌شده برعهده سازندگان است، اما بخش ارزیابی و انتخاب متقاضیان واجد شرایط توسط وزارت راه انجام می‌شود. در عین حال در انتخاب مستأجران موضوع اختلاط اجتماعی مدنظر است و بنابراین سازندگان اجازه دارند تا ۵۰ درصد واحدهای تولیدی را به شکل آزاد به افراد متقاضی اجاره دهند. جامعه مخاطب طرح مسکن استیجاری فعلاً زوج‌های جوان در دهک یک تا ۶ هستند؛ مسکن استیجاری ابعاد اجتماعی گسترده‌ای دارد و باید گام به گام پیش‌رفت، رویکرد طرح آن است که زوج‌های جوان یا سکونت‌آرزان در واحدهای حمایتی به مدت ۵ سال فرصت تنفس و توانمندشدن بیابند تا در ادامه امکان ورود به بازار مسکن ملکی یا بازار آزاد مسکن استیجاری را بیابند. البته قراردادها به شکل سالانه تمدید می‌شوند. میزان اجاره‌بها در واحدهای حمایتی براساس دهک هر خانواده متفاوت است. به‌عنوان نمونه برای دهک یک تا ۲ هر خانواده باید ۵۰ درصد اجاره‌بها واحد مدنظر را بپردازد. برای تعدیل سالانه اجاره باید سازوکار مشخصی تعریف شود، اما این سازوکار باید طبیعتاً بر مبنای تورم عمومی باشد.

بخش عرضه مسکن استیجاری تکلیف قانونی وجود دارد؛ قانون استیجاری مصوب سال ۱۳۷۷ که در آن آمده باید بخشی از عرضه مسکن به سمت استیجاری رفته و اجاره‌داری حرفه‌ای در کشور شکل گیرد.

بروزهای ۳ مرحله‌ای برای ساختمانی‌ها معاون مسکن وزارت راه و شهرسازی در پاسخ به برنامه وزارت راه برای جذاب کردن ساخت مسکن استیجاری برای بخش خصوصی گفت: دستورالعمل اجرای طرح مسکن استیجاری در حال حاضر به‌کمک بخش خصوصی در حال تدوین است و سرمایه‌گذاران بانکی، تشکلهای ساختمانی و... در تدوین طرح دخیل هستند. مدل طراحی‌شده منطبق بر قانون ساماندهی زمین و مسکن بوده و سه مرحله اصلی دارد، «ساز»، «اجاره بده» و «مالک شو». این سه گام جذابیت بالایی را در این طرح‌ها رقم می‌زند. سازنده هزینه زمین نمی‌پردازد، از تسهیلات ساخت مناسب بهره‌مند می‌شود، نیازی از واحدهای ساخته‌شده را به شکل آزاد وارد بازار اجاره می‌کند و در نهایت نیز براساس مدل اقتصادی تعریف‌شده و پس از طی دوره زمانی مشخص، مالک تمامی واحدها می‌شود.

تمامی زمین‌های طرح مسکن استیجاری در داخل بافت شهرها است و همین موضوع نیز بر جذابیت این طرح برای سرمایه‌گذاران می‌افزاید. حتی در شهر تهران نیز زمین برای اجرای این طرح در نظر گرفته شده‌است؛ این زمین در گذشته به‌دلیل معارض دچار ایراد بود که با طی مراحل قانونی مشکل رفع شده و امروز آماده عرضه در طرح مسکن حمایتی است. پس از مشخص شدن هر پروژه و آماده‌شدن مدل اقتصادی، پروژه‌ها به مزایده گذاشته می‌شوند و هر سازنده‌ای که دوره اجاره بیشتری را پیشنهاد دهد، برنده رقابت خواهد بود. درحالی‌که در طرح‌های پیشین مسکن حمایتی میزان اصابت به هدف محدود بود، در مسکن استیجاری میزان اصابت به هدف بالا خواهد بود، چراکه امتیاز قابل خرید و فروش نیست، اما در این طرح نگرانی‌هایی بابت تغییر رویکرد، کارشناسی و تأمین زمین اجتماعی از سوی دولت‌ها غریب، کره و ژاپن مطرح شده؛ در این رویکرد جدید بر پراکندگی مسکن استیجاری در بافت شهری بجنوی که ساکنان اختلاط دهک در آمدی داشته‌باشند، تأکید شده‌است.

طاهر خانی درخصوص نقش وزارت راه و شهرسازی به‌عنوان نماینده دولت و نقش شهرداری در اجرای طرح مسکن استیجاری با توجه به تجربه جهانی که عمده این طرح‌ها توسط مدیریت شهری انجام می‌شود، گفت: درخصوص ۱۰ هزار واحد مسکن استیجاری وعده داده‌شده برای امسال که به سراغ استفاده از ظرفیتهای موجود رفته‌ایم، کارشناسی و تأمین زمین بر عهده وزارت راه و شهرسازی بود؛ کار نگهداری و اجاره‌داری این واحدها توسط بنیاد مسکن به‌دلیل تجربه قبلی در این زمینه و همچنین تشکیل کارگزارانی برای اجاره‌داری پیش‌می‌رود.

اما در مابقی طرح مسکن استیجاری که قرار است ۷۵ هزار واحد طی ۳ سال ساخته‌شده و به بازار عرضه شود، قرار نیست که دولت یا وزارت راه و

است. دولت چهاردهم نیز درصدد است که طرح ساخت و عرضه مسکن استیجاری در ۳ سال آینده را با اهرم کردن اراضی وزارت راه و شهرسازی و جلب مشارکت بخش خصوصی پیش ببرد، اما برای آغاز این طرح در کوتاه‌مدت به سراغ شناسایی و آماده‌سازی ۱۰ هزار واحد خانه در اختیار این وزارت‌خانه در زیرمجموعه‌هایی از جمله بنیاد مسکن، سازمان ملی زمین و مسکن و بانک مسکن رفته‌است.

واحدهای شناسایی‌شده در استان‌های مختلف قرار دارند و تهران و مشهد دو کلان‌شهری هستند که سهم بالایی از مسکن استیجاری عرضه‌شده دارند. در کنار نهادهای دولتی که واحدهای در اختیار خود را برای این طرح اختصاص داده‌اند؛ با مجوز شورای عالی مسکن، انبوهسازان نیز بخشی از واحدهای تولیدی خود را در قالب تهاوت املاک و مستغلات وزارت راه و شهرسازی با تمرکز بر املاک بدون‌استفاده و خانه‌های سازمانی بدون‌کارکرد، پشتیبان اجرای این طرح کرده‌اند. ۹ هزار و ۷۰۰ واحد شناسایی شده و حتی توافق با طرف دارنده ملک منعقد شده‌است. بزودی کار ثبت‌نام متقاضیان که در گام ابتدایی شامل زوج‌های جوان می‌شود، آغاز می‌شود و احتمالاً در ماه‌های ابتدایی سال آینده، واحدها به متقاضیان واجد شرایط اعطا می‌شود.

تأمین صندوق‌های بازنشستگی به «اجاره‌داری» طاهر خانی در پاسخ به چگونگی انتخاب افراد مشمول طرح مسکن استیجاری حمایتی گفت: پارامترهای متعدد و دقیقی در این زمینه موردسنجش قرار می‌گیرد، از جمله آنکه این طرح در ابتدا برای زوج‌های جوان اجرایی می‌شود. عدم سابقه مالکیت، عدم‌استفاده از مسکن دولتی، داشتن فرزند و... در زمره پارامترهای موردبررسی در این طرح است. وی در پاسخ به ثبت‌نام و مشمول شدن ۴ میلیون خانوار در طرح مسکن ملی که بخشی از آنها به دلایلی نظیر عدم‌تأمین آورده از ورود به طرح بازماندند، گفت: این موضوع نیز می‌تواند در زمره امتیاز مشمولان سنجیده شود. بنابر گفته معاون مسکن وزارت راه و شهرسازی، کار تأمین واحدها تا پایان امسال به پایان رسیده و در ماه‌های ابتدایی سال آینده، افراد واجد شرایط شناسایی می‌شوند، بنابراین متقاضیان دریافت مسکن حمایتی استیجاری می‌توانند به دریافت خانه تا پایان بهار ۱۴۰۵ امیدوار باشند. وزارت راه و شهرسازی با در نظر گرفتن مطالعات جهانی در بخش مسکن استیجاری درصدد است ایرادات جدی وارد به این طرح در دنیا را تکرار نکند. در مسکن استیجاری کلاسیک که تا ۱۹۸۰ در دنیا اجرایی شده‌بود، چالش‌هایی از جمله تمرکز فقر، کیفیت معماری پایین و دسترسی ضعیف به خدمات وجود داشت، اما از سال ۱۹۹۰ تغییر رویکرد، کارشناسی و تأمین زمین اجتماعی از سوی دولت‌ها غریب، کره و ژاپن مطرح شده؛ در این رویکرد جدید بر پراکندگی مسکن استیجاری در بافت شهری بجنوی که ساکنان اختلاط دهک در آمدی داشته‌باشند، تأکید شده‌است.

تکلیف ۲۵ ساله معوق مقابل مستأجرها در بخش عرضه مسکن استیجاری تکلیف قانونی وجود دارد؛ قانون استیجاری مصوب سال ۱۳۷۷ که در آن آمده باید بخشی از عرضه مسکن به سمت عرضه مسکن استیجاری رفته و اجاره‌داری حرفه‌ای در کشور شکل گیرد. در قانون ساماندهی تولید و عرضه مسکن مصوب سال ۱۳۸۷ نیز به تولید و عرضه مسکن استیجاری عمومی با اهرم کردن اراضی دولتی تأکید شده‌است. جلب مشارکت بخش خصوصی در موضوع مسکن استیجاری موضوعی مهم و ضروری است؛ تجارب دنیا از آن حکایت دارد که در دوره‌هایی که مسکن استیجاری تنها توسط دولت عرضه‌شده، نتیجه مطلوب حاصل نشده و مشارکت بخش خصوصی در موفقیت طرح‌ها ضروری

طرح مسکن حمایتی به شکل کلی در دو مدل مسکن حمایتی ملکی و مسکن حمایتی استیجاری در دنیا اجرایی شده و نقاط قوت و ضعف هر یک نیز مشخص شده‌است. در ایران طی دست‌کم ۳ دهه گذشته عمده اقدامات در بخش مسکن حمایتی مربوط به مسکن حمایتی ملکی بوده و به‌رغم صرف زمان و هزینه‌های گزاف لزوماً اهداف مدنظر این طرح‌ها محقق نشده‌است. در چنین شرایطی دولت چهاردهم درحالی‌که موظف به تکمیل طرح‌های حمایتی مسکن نظیر مسکن ملی است، درصدد اجرای طرح «مسکن حمایتی استیجاری» برای حل بخشی از مشکل مسکن افراد کم‌بضاعت برآمده است. در این خصوص وزارت راه و شهرسازی وعده

تأمین ۱۰ هزار مسکن حمایتی استیجاری را تا پایان امسال مطرح کرد و اکنون با نزدیک‌شدن به روزهای پایانی سال، این وعده به روزهای پایانی نزدیک می‌شود. در برنامه خانه‌اول که توسط گروه مسکن و شهری روزنامه «بنیاد اقتصاد» برگزار شد، میزان اصابت طرح‌های مسکن حمایتی گروه‌های هدف با حضور معاون مسکن وزارت راه و شهرسازی و رئیس گروه عمران مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و میزان پیشبرد وعده مسکن حمایتی استیجاری در سال جاری مورد ارزیابی قرار گرفت. درحالی‌که رئیس گروه عمران مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی توجه دولت به تأمین مسکن استیجاری در این دوره را مثبت ارزیابی می‌کند، به گفته معاون مسکن وزارت راه و شهرسازی کار تأمین بخش عمده‌ای از واحدهای وعده داده‌شده نهایی شده و کارشناسی متقاضیان واجد شرایط برای استفاده از این واحدها نیز در ابتدای سال آینده اجرایی می‌شود.

حبیب‌الله طاهر خانی، معاون مسکن وزارت راه و شهرسازی در پاسخ به وضعیت تحقق تأمین ۱۰ هزار مسکن استیجاری تا پایان امسال گفت: دولت چهاردهم سیاست متعادلی را در بخش مسکن دنبال می‌کند، بعضاً تمرکز دولت‌ها بر یک روش بوده‌است. به‌عنوان نمونه در دوره‌هایی ساخت خانه بر روی زمین ۹۹ ساله تبدیل به موضوع اصلی شد و سایر سیاست‌های ضروری برای افزایش عرضه و مدیریت بازار مسکن کنار گذاشته می‌شد، اما در این دوره درصدد هستیم تا هم‌زمان مجموعه‌ای از سیاست‌های حمایتی شامل سیاست تمک و اجاره را با یکدیگر پیش‌ببریم. از ابتدای امسال بسته استیجاری در شورای عالی مسکن تصویب شد که یکی از شمول آن عرضه مسکن استیجاری است. در حوزه استیجاری تنها با تحریک عرضه نمی‌توان با موضوع مواجه شد. توانمندسازی تقاضا یکی از راهکارها است که در این موضوع از طریق کمک به تأمین ودیعه مسکن با تسهیلات بانکی در حال اجراست و در ۶ ماه ابتدایی امسال ۶۵۰ همت در قالب ودیعه بانکی به ۳۴۰ هزار خانوار پرداخت شده‌است.

حیب‌الله طاهر خانی، معاون مسکن وزارت راه و شهرسازی در پاسخ به وضعیت تحقق تأمین ۱۰ هزار مسکن استیجاری تا پایان امسال گفت: دولت چهاردهم سیاست متعادلی را در بخش مسکن دنبال می‌کند، بعضاً تمرکز دولت‌ها بر یک روش بوده‌است. به‌عنوان نمونه در دوره‌هایی ساخت خانه بر روی زمین ۹۹ ساله تبدیل به موضوع اصلی شد و سایر سیاست‌های ضروری برای افزایش عرضه و مدیریت بازار مسکن کنار گذاشته می‌شد، اما در این دوره درصدد هستیم تا هم‌زمان مجموعه‌ای از سیاست‌های حمایتی شامل سیاست تمک و اجاره را با یکدیگر پیش‌ببریم. از ابتدای امسال بسته استیجاری در شورای عالی مسکن تصویب شد که یکی از شمول آن عرضه مسکن استیجاری است. در حوزه استیجاری تنها با تحریک عرضه نمی‌توان با موضوع مواجه شد. توانمندسازی تقاضا یکی از راهکارها است که در این موضوع از طریق کمک به تأمین ودیعه مسکن با تسهیلات بانکی در حال اجراست و در ۶ ماه ابتدایی امسال ۶۵۰ همت در قالب ودیعه بانکی به ۳۴۰ هزار خانوار پرداخت شده‌است.

حیب‌الله طاهر خانی، معاون مسکن وزارت راه و شهرسازی در پاسخ به وضعیت تحقق تأمین ۱۰ هزار مسکن استیجاری تا پایان امسال گفت: دولت چهاردهم سیاست متعادلی را در بخش مسکن دنبال می‌کند، بعضاً تمرکز دولت‌ها بر یک روش بوده‌است. به‌عنوان نمونه در دوره‌هایی ساخت خانه بر روی زمین ۹۹ ساله تبدیل به موضوع اصلی شد و سایر سیاست‌های ضروری برای افزایش عرضه و مدیریت بازار مسکن کنار گذاشته می‌شد، اما در این دوره درصدد هستیم تا هم‌زمان مجموعه‌ای از سیاست‌های حمایتی شامل سیاست تمک و اجاره را با یکدیگر پیش‌ببریم. از ابتدای امسال بسته استیجاری در شورای عالی مسکن تصویب شد که یکی از شمول آن عرضه مسکن استیجاری است. در حوزه استیجاری تنها با تحریک عرضه نمی‌توان با موضوع مواجه شد. توانمندسازی تقاضا یکی از راهکارها است که در این موضوع از طریق کمک به تأمین ودیعه مسکن با تسهیلات بانکی در حال اجراست و در ۶ ماه ابتدایی امسال ۶۵۰ همت در قالب ودیعه بانکی به ۳۴۰ هزار خانوار پرداخت شده‌است.



مدیریت تحریریه

ولی‌الله سیف

رئیس کل پیشین بانک مرکزی

واقعیت این است که دشمنان مصمم به افزایش فشارند و هدف آنها تضعیف اعتماد عمومی و متزلزل کردن ثبات اقتصادی کشور است. اما در سوی دیگر، تجربه‌های گذشته نیز نشان داده است که با برنامه‌ریزی دقیق، انسجام نهادی و استفاده بهینه از ظرفیتهای داخلی می‌توان آثار این فشارها را مدیریت کرد. شرط اصلی آن، عبور از سیاست‌های مقطعی و اتخاذ یک نقشه راه جامع است که کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را دربر گیرد.

در کوتاه‌مدت با هدف عبور از بحران، اولین گام، مدیریت شوک‌های اولیه ناشی از تحریم‌هاست. در فاصله سه تا شش ماه نخست، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، کنترل بازار ارز و مهار التهابات بانکی است. سقوط آزاد ارزش پول ملی، نه تنها قدرت خرید مردم را به شدت کاهش می‌دهد، بلکه اعتماد عمومی را نیز سست می‌کند. بنابراین بانک مرکزی باید با مداخله حساب‌شده، استفاده محتاطانه از ذخایر ارزی و شفاف‌سازی درباره سیاست‌های ارزی، از ایجاد موج‌های مخرب جلوگیری کند.

در همین دوره، حمایت هدفمند از اقشار کم‌درآمد اهمیت حیاتی دارد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که کوچک‌ترین اختلال در دسترسی به دارو، انرژی و کالاهای اساسی، بلافاصله به نارضایتی اجتماعی منجر می‌شود. بسته‌های حمایتی موقت، یارانه‌های نقدی هدفمند و تضمین خدمات پایه می‌تواند سپری در برابر شوک‌های معیشتی باشد.

از سوی دیگر، حفظ اعتماد به نظام بانکی نیازمند اقدامات فوری است. تزریق نقدینگی مشروط به بانک‌ها، نظارت سخت‌گیرانه بر سلامت مالی و ارتباط شفاف با بازارها و مردم، مانع از شکل‌گیری بحران اعتماد می‌شود. در این مرحله، شایعات و اخبار نادرست بزرگ‌ترین تهدید برای ثبات روانی جامعه هستند. بنابراین دستگاه اقتصادی کشور باید با بیانیه‌های روشن و به‌موقع، مسیر سیاست‌گذاری و برنامه‌های حمایتی را به مردم اطلاع دهد.

در میان‌مدت، موضوع اصلی مقاومت‌سازی اقتصاد است. پس از عبور از شوک اولیه، کشور نیازمند سیاست‌هایی برای مقاومت در برابر فشارهاست. بازه شش تا بیست‌وچهار ماه، زمان آن است که روابط تجاری و مالی کشور بازتنظیم شود. تقویت همکاری با همسایگان، استفاده از ارزهای غیردلاری در مبادلات و ایجاد کانال‌های پرداخت جایگزین می‌تواند بخشی از فشار تحریم‌ها را خنثی کند. البته هرگونه اقدام در این زمینه باید با رعایت استانداردهای بین‌المللی مانند FATF صورت گیرد تا بانک‌های شریک در معرض خطر جریمه یا محرومیت قرار نگیرند.

تنوع‌بخشی به درآمدها و ذخایر ارزی نیز از اولویتهای این دوره است. ایجاد صندوق‌های تثبیت اقتصادی، بازنگری در ترکیب ذخایر و وضع قواعد شفاف برای مصرف منابع، امکان مدیریت بهتر شوک‌های بیرونی را فراهم می‌کند.

هم‌زمان باید اصلاحات ساختاری داخلی سرعت گیرد؛ کاهش وابستگی به نفت، حمایت از صادرات غیرنفتی، تقویت زنجیره‌های تأمین داخلی و بهبود فضای کسب‌وکار. حمایت ویژه از بنگاه‌های کوچک و متوسط و صنایع صادرات‌محور، ضمن حفظ اشتغال ظرفیتهای تولیدی کشور را زنده نگه می‌دارد. در این بازه، نهادهای نظارتی و قضایی نیز نقشی کلیدی دارند. شفافیت در مقررات، تسریع در رسیدگی به دعاوی تجاری و پرهیز از تصمیمات خلق‌الساعه، برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران ضروری است. اقتصاد تنها با آرام و سیاست‌ها اداره نمی‌شود؛ اعتماد و پیش‌بینی‌پذیری نیز ستون‌های حیاتی آن هستند.

تمرکز اصلی در برنامه‌های بلندمدت باید اصلاحات پایدار و بازسازی اعتماد عمومی باشد که یک بازه زمانی دو تا پنج سال را در برمی‌گیرد. مهم‌ترین محور فعالیت‌ها در این دوره باید اصلاحات نهادی و حکمرانی اقتصادی باشد. بدون شفافیت در آمارهای کلان، حاکمیت شرکتی و چارچوب‌های حقوقی مطمئن برای سرمایه‌گذاری، هیچ مقابله‌ای پایدار نخواهد بود. این اصلاحات، ریسک سیاسی و اقتصادی را کاهش داده و زمینه را برای بازگشت سرمایه و رشد پایدار فراهم می‌کند. سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی با مزیت رقابتی، همچون صنایع غذایی، داروسازی و برخی فناوری‌های صنعتی، می‌تواند مسیر تنوع‌بخشی به صادرات را هموار کند. هم‌زمان ارتقای مهارت نیروی کار و توسعه بازار سرمایه، به بهبود دسترسی به منابع مالی بلندمدت کمک خواهد کرد.

نقش دیپلماتیک در این شرایط بسیار حیاتی است. تمام فعالیت‌های اقتصادی بدون پشتوانه دیپلماتیک به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. در سطح بین‌المللی، لازم است کشور از طریق کانال‌های دیپلماتیک منطقی‌ها، جهانی، تنش‌ها را کاهش دهد و بستنه‌های متقابل مشخص پیشنهاد کند؛ برای نمونه، ارائه تضمین‌های فنی در برابر دریافت معافیت یا کاهش تدریجی فشارها. همچنین حفظ کانال‌های حقوقی و دیپلماتیک برای مبادلات انسانی و دارویی و تلاش برای تضمین معافیت‌های بشردوستانه، می‌تواند بخشی از فشارها را کاهش دهد.

کنترل نقدینگی و تورم، یکی از حلقه‌های اصلی در همه این مراحل است. اگر دولت بتواند از ذخایر ارزی به شکل کارآمد استفاده کند و از واردات به‌موقع کالاهای اساسی و مواد اولیه اطمینان حاصل شود، فشار برای استقرار از بانک مرکزی کاهش یافته و رشد پایه پولی مهار می‌شود. همچنین بی‌اولویت‌بندی واردات و پرهیز از هدررفت منابع در کالاهای غیرضروری، کسری بودجه پنهان کاهش می‌یابد. این روند، به ثبات نرخ ارز و تعدیل انتظارات تورمی کمک خواهد کرد. در نقطه مقابل، سوم‌مدیریت منابع ارزی و توزیع رانتی می‌تواند تمام تلاش‌ها را بر باد دهد و زمینه‌ساز افزایش دوباره نقدینگی و جهش‌های تورمی شود.

سریال رشد بورس ادامه دارد؟



فرحناز نعمتی – تحرکات همزمان بازارهای دارایی متاثر از بازگشت تحریم‌های بین‌المللی، استراتژی معامله‌گران را دستخوش تغییرات جدی کرده است. در روزهای اخیر سناریوی بازگشت رونق به بورس تهران مجددا مورد توجه قرار گرفته است

تحرکات همزمان بازارهای دارایی متاثر از بازگشت تحریم‌های بین‌المللی، استراتژی معامله‌گران را دستخوش تغییرات جدی کرده است. در روزهای اخیر سناریوی بازگشت رونق به بورس تهران مجددا مورد توجه قرار گرفته است، رشدی که از شنبه آغاز شد، در روز یکشنبه ادامه یافت و به هت‌تریک ۴درصدی در معاملات دیروز انجامید. به اعتقاد تحلیلگران، بازار دلار آزاد تا محدوده ۱۱هزار تومان، ادامه رشد فعلی بورس را امکان‌پذیر ساخت. با این حال تصریح رئیس کل بانک مرکزی در مورد تثبیت نرخ ارز توافقی و ترجیحی می‌تواند زمینه مقدمات فروکش کردن تقاضا در این بازار را فراهم کند. تحولات اخیر نشان می‌دهد بازار سرمایه در حال جبران جاماندگی از بازارهای موزای است و همین امر می‌تواند موتور رشد بورس در روزهای آتی باشد. از نگاه کارشناسان، دلار آزاد که این روزها در سطوح تاریخی خود قرار دارد به‌عنوان خط‌شکن بازارها به ویژه بورس تهران عمل کرده است. با این حال نوسانات مستمر بورس از ابتدای سال ترديدهای زیادی در مورد ادامه روند صعودی بازار سهام ایجاد کرده؛ ابهامی که در سه سناریو به آن پرداخته شده است.

پروانه کبره: بورس تهران با رشد ۷ درصدی از ابتدای هفته، شانه به شانه بازارهای موزای در مسیر صعودی گام برداشته است. درحالی‌که دلار، طلا و سکه در روزهای اخیر بر فراز قله تاریخی خود قرار گرفتند بازار سهام نیز متاثر از کاهش ابهامات سیاسی و رشد یکپارچه بازارهای موزای به سمت سطوح بالاتر حرکت کرده است. شاخص کل بورس در سه روز و دو کانال ۲٫۵ و ۲٫۶میلیون واحد را مجددا فتح کرده و عملکردی قابل قبول را به نمایش گذاشته است.

ناگار اصلی این بازار در هر سه روز گذشته با بیش از ۲ درصد رشد، معاملات رشد ۲ درصدی را رقم زد و موجب شد شاخص کل در کانال دومیلیون و ۷۰۰ هزار واحد آرام بگیرد. از سویی ناگار هموزن، با افزایش ارتفاع ۱٫۸درصدی همچنان حرکتی رو به جلو اما آهسته‌تر را در مقایسه با شاخص اصلی به نمایش گذاشته است. این موضوع حاکی از آن است که سهامداران به دلیل تعدد ریسک‌های حاکم بر وضعیت بازارها ترجیح می‌دهند در سمت خرید سهام بزرگ حاضر شوند تا در صورت پیشروی بروز ریسک‌های سیاسی، با اختلال در سمت فروش سهام کوچک و متوسط مواجه نشوند.

بورس پس از بازگشت تحریم‌های بین‌المللی برخلاف انتظارات ظاهر شد و توانست وارد مسیر صعودی شود. کما اینکه خروج بیش از ۲همت پول حقیقی از صندوق‌های طلا و کوچ پول‌های حقیقی از صندوق‌های درآمد ثابت در روز یکشنبه موجب شد روز گذشته بیش از ۲هزار و ۷۰۰میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار سهام شود. معاملات دلار در بازار آزاد که یکشنبه را در کانال ۱۱۱ هزار تومان به اتمام رسانده بود؛ معاملات دوشنبه را در کانال ۱۱۰ هزار تومان آغاز کرد. در ادامه، شاخص‌ارزی یک کانال بالاتر آمد و مجددا به کانال ۱۱۱ هزار تومان رسید. صندوق‌های طلا نیز میزبان حدود۶۳۵میلیارد تومان پول حقیقی بوده‌اند.

از سوی دیگر، در بازار فیزیکی طلا و سکه هم هر گرم طلای ۱۸ عیار در کانال ۱۰میلیون و ۳۰۰ هزار تومان قرار گرفت و سکه امامی هم در قیمت ۱۱۰میلیون تومان در بازار دست به دست شد. با رشد ۴درصدی شاخص



منافع حضور شرکت‌های فعال اقتصاد دیجیتال

فاصله مذکور رانت ارزی گسترده‌ای ایجاد کرده است، امری که منجر به کاهش سودآوری بنگاه‌های اقتصادی خواهد شد.

اگرچه سیاست تثبیت نرخ ارز پیش‌تر نیز در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفته بود و در زمستان ۱۴۰۱ رئیس بانک مرکزی بر قیمت ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی دلار نیما اصرار ورزید، آن‌هم در شرایطی که دلار آزاد در مقطع یاد شده حوالی ۴۰ هزار تومان قرار داشت.

دولت سیزدهم با تشکیک بازار جدید ارزی موقتا فاصله قیمتی را کاهش داد، اما نتوانست از تکرار این چرخه جلوگیری کند. در نیمه دوم سال ۱۴۰۳ سیاستگذار، با هدف کاهش رانت ارزی، پا به ساختمان وزارت اقتصاد گذاشت. دوره کوتاه وزارت او با کاهش شکاف قیمتی دلار در بازار رسمی و غیررسمی و رونق نسبی بورس به پایان رسید. اکنون نیز با وجود رشد کوتاه‌مدت شاخص بورس، این سیگنال مخابره می‌شود که فعالان بازار نسبت به رویه مذکور مردد هستند. به این ترتیب این انتظار تقویت شده است که با حذف رانت ارزی، سرمایه‌های سرگردان به سوی بازار سهام سرازیر شوند. داده‌های تاریخی حکایت از آن دارد که این اختلاف چندان پایدار نیست و احتمالا با کاهش عرضه ارز با قیمت ارزان، سیاستگذار مجبور است تا به سمت بردن شکاف ارزی گام بردارد.

مقایسه ناپهنگام

در روزهای گذشته و پس از بازگشت تحریم‌ها از مسیر فعال‌شدن مکانیسم ماشه بار دیگر نگاه‌ها به سمت تجربه اوایل دهه ۹۰ معطوف شده است. آیا بازار سهام روزهای مشابه مبادم را پشت سر خواهد گذاشت؟ در همین رابطه امیرحسین جنانی، تحلیلگر بازارهای مالی در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» اظهار کرد؛ مقایسه وضعیت بورس در دوره مشابه دهه قبل با شرایط فعلی دولت پزشکیان کار ساده‌ای نیست؛ چراکه متغیرهای کلان اقتصادی همچون تحریم‌ها، سیاست‌های پولی و ارزی، نرخ تورم و بهره، انتظارات عمومی و حتی ساختار بازار سرمایه تغییرات اساسی کرده‌اند. با این حال، می‌توان برخی شباهت‌ها و تفاوت‌های مهم را مرور کرد.

این کارشناس معتقد است: در دوران احمدی‌نژاد، رشد بورس عمدتا بر پایه تورم بالا، افزایش نرخ ارز و عرضه شرکت‌های بزرگ رقم خورد. هرچند شاخص‌ها در ظاهر جهش قابل‌توجهی داشتند، اما این رشد بر بستری از بی‌ثباتی اقتصادی و ریسک‌های جدی بنا شده بود. تحریم‌های شدید مالی و نفتی آمریکا و اروپا، به‌ویژه در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۳۹۱ (مانند محدودیت فروش نفت و قطع دسترسی به سوئیتس موجب کاهش درآمد‌های ارزی و جهش نرخ ارز شد. برخلاف انتظار، این افزایش نرخ ارز به رشد اسمی بورس در همان مقطع دامن زد.

به گفته امیرحسین جنانی، رشد غیرواقعی بورس در سال ۱۳۹۲ نیز ریشه در جهش سه‌برابری نرخ ارز در سال ۱۳۹۱ داشت. تاثیر این تغییر در صورت‌های مالی شرکت‌ها ظاهر شد و واکنش احساسی سرمایه‌گذاران به روی کار آمدن دولت یازدهم و امید به رفع تحریم‌ها، باز شدن در‌های اقتصاد و بهبود رشد اقتصادی، باعث شد آن جهش تاریخی در بورس رقم بخورد. اما در شرایط کنونی با فعال شدن «مکانیسم ماشه»، بورس تهران روزهای پررونقی را پشت سر گذاشته است. ورود نقدینگی قدرتمند حقیقی به صنایع اثرگذار، به‌ویژه فلزات اساسی، پالایشی‌ها و محصولات شیمیایی، موج تازه‌ای را رشد را رقم زده است.

او همچنین در مورد دلیل اصلی رشد ۷ درصدی بورس در ۳ روز گذشته گفت: علت اصلی این تحولات را باید در تلاقی ریسک‌های اقتصادی با رونق بازارهای موزای جست‌وجو کرد. سرمایه‌گذاران با دیدگاه آینده‌نگر، ارزندگی نسبی سهام را فرصتی مناسب برای خرید تلقی کرده‌اند. بازار سرمایه بخش زیادی از ریسک‌های موجود را طی ماه‌های گذشته در قیمت‌ها منعکس کرده بود و همین وضعیت صعود ناگهانی و یکپارچه بازار شد؛ هرچند ریسک‌های داخلی و چالش‌های اقتصادی همچنان پابرجاست و اقدام ملموسی برای رفع آنها صورت نگرفته است. افزایش نرخ ارز و تاثیر آن بر شرکت‌های صادرات‌محور نیز یکی دیگر از عوامل مهم رشد اخیر بورس است. نگاه غالب معامله‌گران این است که دولت ناگزیر به واقعی‌تر کردن نرخ دلار توافقی خواهد شد. همچنین بازگشایی تالار دوم و عرضه ارز شرکت‌ها با قیمت‌های بالاتر، این انتظارات را تقویت کرده است. در چنین فضایی، بورس نشانه‌هایی از امید و تمایل به اصلاح را بروز می‌دهد. هرچند عملکرد کوتاه‌مدت بازار نسبت به گذشته بهتر بوده، اما مشکلات ساختاری نظیر بی‌اعتمادی سهامداران، سیاست‌های ناپایدار اقتصادی و نوسانات بالا همچنان مانع از پایداری رشد است. این کارشناس بازارهای مالی با بیان اینکه سه عامل کلیدی می‌توانند مسیر آتی بازار را تحت‌تاثیر قرار دهند، اظهار کرد؛ نخستین عامل، کف قیمتی شاخص‌هاست. در توضیح این موضوع باید عنوان کرد که پس از ریزش‌های بی‌دری، شاخص کل به محدوده‌های رسیده که به‌نوعی کف قیمتی محسوب می‌شود. دومین مورد ابهام‌زدایی از ریسک‌های سیاسی است. به این صورت که حتی تعیین تکلیف بخشی از ابهامات کلان مانند تحریم‌های شورای امنیت (با وجود آثار منفی) می‌تواند بر انتظارات سرمایه‌گذاران اثر مثبت بگذارد. امیرحسین جنانی، سومین عامل را سودآوری اسمی شرکت‌ها عنوان کرد و گفت: تثبیت نرخ ارز بالای ۱۰۰ هزار تومان، چشم‌انداز افزایش درآمد و سود اسمی شرکت‌ها را تقویت کرده است. تجربه نرخ‌های دستوری از ۴۲۰۰ تا ۷۰ هزار تومان نشان می‌دهد که مقاومت در برابر واقعیت‌های بازار ارز در نهایت شکست خورده و دولت ناچار به پذیرش نرخ‌های بالاتر می‌شود. این سه عامل می‌توانند به بهبود نسبی معاملات و بازگشت بخشی از اعتماد از دست‌رفته کمک کنند. با این حال، ریسک‌های جدی همچنان سایه خود را بر بازار حفظ کرده‌اند. در چنین شرایطی، ترکیبی هوشمندانه از سهام و طلا می‌تواند برای سرمایه‌گذاران گزینه‌ای مطمئن‌تر و جذاب‌تر باشد.

وضعیت متعادل بورس

ابراهیم سماوی، کارشناس بازار سرمایه نیز از جمله کارشناسانی است که تاووم رونق بورس را منوط به بهبود متغیرهای اثرگذار دانست. او در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» اظهار کرد: در روزهای گذشته شاهد رشد شاخص کل بورس اوراق بهادار بودیم؛ این در حالی است که بسیاری از تحلیلگران و سرمایه‌گذاران انتظار داشتند بازار سرمایه دچار ریزش‌های مستمر شود. نکته‌ای که برخی تحلیلگران و فعالان بازار به آن توجه می‌کنند، این است که صرفا بورس را به‌عنوان آینه تمام‌قد اقتصاد می‌بینند. در کشورها، پیشرفته معمولا بازار سرمایه به‌عنوان ناگار و تسننج اقتصاد عمل می‌کند؛ زمانی که وضعیت اقتصادی مطلوب است، شاخص کل بورس اوراق بهادار نیز مثبت می‌شود.

اما در ایران رندهایی که عموما در بازار سرمایه رخ می‌دهد، اصطلاحا رشد اسمی است.

او گفت: کاهش ارزش ریال که نمود آن در قیمت دلار و سایر بازارهای موزای مشهود است، باعث می‌شود دارایی‌های شرکت‌ها ارزشمندتر به‌نظر برسند و قیمت‌ها از منظر ریالی افزایش یابد. به همین دلیل درآمد شرکت‌ها به‌ویژه شرکت‌های صادرات‌محور(که از نظر ارزش بازار جزو شرکت‌های بزرگ و شاخص‌ساز محسوب می‌شوند) به نرخ‌های بالاتری محاسبه می‌شود و قیمت ریالی فروش آنها افزایش می‌یابد. بنابراین رشد شاخص کل بورس اوراق بهادار بیش از آنکه ناشی از بهبود واقعی اقتصاد باشد، نتیجه کاهش ارزش پول ملی است و نوعی واگرایی را نشان می‌دهد. سماوی با بیان اینکه بررسی روندهای گذشته نیز موید این نکته است که معمولا ابتدا طلا و دلار رشد می‌کنند و سپس با فاصله زمانی شاخص کل بورس اوراق بهادار نیز رشد می‌یابد، افزود: پس از آن بازار املاک و مستغلات نیز با شیبی کمتر اما پیوسته رشد می‌کند.البته امسال بازار املاک و مستغلات به دلیل شرایط خاص ناشی از جنگ، با سال‌های گذشته قابل مقایسه نیست و تامین داده‌های آن نیز به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست. بنابراین مثبت بودن شاخص کل بورس اوراق بهادار به معنای بهبود وضعیت اقتصادی کشور نیست، بلکه ناشی از رشد اسمی است. به گفته این تحلیلگر بازارهای مالی، با افزایش قیمت دلار از ابتدای سال رخ داده نیز توجه کرد. بازگشت تحریم‌ها و ریسک‌های سیستماتیک، به‌ویژه پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، منجر به ریزش بازار سرمایه شده بود، اما اینک بسیاری از این ریسک‌ها پیش‌خور شده است. اگر ارزش بازار سرمایه را به‌صورت دلاری محاسبه کنیم، فاصله قابل توجهی با میانگین تاریخی خود دارد که این امر نیز بر نکات مطرح‌شده صحه می‌گذارد. در نتیجه، چشم‌انداز بازار سرمایه در کوتاه‌مدت نیز خاصی را نشان می‌دهد و نه رشد شارپ و پرشانی را؛ اما در میان‌مدت شاخص به دلیل رشد اسمی می‌تواند به محدوده سه‌میلیون واحد بازگردد. با این حال، تا زمانی که نرخ دلار و طلا به ثبات نرسد، نمی‌توان انتظار داشت بورس رندهای جهشی و ادامه‌دار را تجربه کند.

مدیرعامل شرکت مشاور سرمایه‌گذاری هوشمند آبان، با اشاره به این‌که بازار سرمایه نیازمند ورود صنایع جدیدی است، به‌ویژه صنایعی که مردم به‌طور روزمره از آنها استفاده می‌کنند؛ گفت: پیش از ورود این مدل شرکت‌ها به بازار سرمایه، برندهای بزرگی با سابقه ۵۰ تا ۵ساله وارد بورس شدند و در ارزش‌گذاری آنها نیز چالش‌های مشابه وجود داشت. با این حال، فعالان حوزه اکوسیستم اقتصاد دیجیتال حتی حاضرند ارزش پایین‌تری از آنچه مدنظرشان است بپذیرند تا بتوانند از فضای بازار سرمایه استفاده کنند. میثم کریمی، مدیرعامل شرکت مشاور سرمایه‌گذاری هوشمند آبان، با اشاره به پذیرش «مالیکت» در بازار سهام، گفت: قطعاً این نگرانی وجود دارد که این بیگ‌دیتناهایی که جمع‌آوری می‌شوند، کجا و چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند. این‌که یک شرکت استراتژی داوطلبانه بپذیرد نظارت نهادهی که هیچ منفعتی در عملکردش ندارد اعمال و وارد بازار سرمایه شود، قابل ستایش است. اما ای کاش این شرایط برای تمام شرکت‌ها فراهم باشد.

کریمی ادامه داد: تامین مالی از بازار سرمایه ابزاری است که مخصوصا در دو دهه اخیر رشد زیادی داشته و حتی در یک دهه اخیر روش‌ها و ابزارهای متنوعی معرفی شده است. عموما فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال جوانانی هستند که ابزارهای جدید دنیا را دیده‌اند و وقتی وارد بازار سرمایه می‌شوند، با این ابزارها مواجه شده و علاقه‌مند به استفاده از آنها هستند.

طلا و دلار در پیک تاریخی



واردات، خرید و حمل‌ونقل نفت خام، گاز طبیعی، محصولات پتروشیمی، نفتی و خدمات مرتبط، فروش و عرضه طلا و سایر فلزات گرانبها و بخش مالی است. نتایج بازگشت این تحریم‌ها همچنان در حال‌های از ابهام قرار دارد. در سال‌های گذشته صادرات نفت و گاز و محصولات مشابه به اروپا تقریبا به صفر رسیده‌است.

با این حال می‌تواند نااطمینانی و در نتیجه ریسک را در بازار افزایش دهد که در نهایت به افزایش قیمت‌ها منتهی شود. از سوی دیگر بانک مرکزی در حال اجرای سیاست‌های واردات طلا برای تقویت عرضه به بازار است. روز گذشته معاون اول رئیس‌جمهور مصوبه‌ای را ابلاغ کرد که براساس آن سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند شمش استاندارد طلا وارد کنند و در بورس کالا یا مرکز مبادله

بورس و بانک

دراقتصاد

دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۴۰۱۴•شماره۸۷۳ www.marzeghtesad.ir

▼ نقشه توزیع ثروت دیجیتال

بیشترین بیت‌کوین در جیب چه کسانی است؟ وقتی صحبت از بیت‌کوین می‌شود، همه به نوسانات قیمت یا فرصت‌های سرمایه‌گذاری فکر می‌کنند، اما پرسشی که در پشت صحنه وجود دارد این است که در سال جاری چه کسانی با شرکت‌هایی بیشترین بیت‌کوین را در اختیار دارند؟

از بنیان‌گذار ناشناس بیت‌کوین، سلناوشی تاگاموتو، تا غول‌های شرکتی نظیر مایکرواستراتژی و تسلا، از بلک‌راک به‌عنوان بازیگر نهادی گرفته تا نهنگ‌های رموز بیت‌کوین و حتی دولت‌هایی چون ایالات متحده و السالوادور که از مسیر صادره‌های قانونی یا خریدهای استراتژیک وارد میدان شده‌اند، همه در لیست بزرگ‌ترین مالکان این دارایی دیجیتال جای دارند.

این ترکیب متنوع نشان می‌دهد بیت‌کوین تنها یک ابزار سرمایه‌گذاری فردی نیست، بلکه عرصه‌ای است که در آن فناوری، اقتصاد، سیاست و حتی ژئوپلیتیک در هم تنیده شده‌اند. به بیان دیگر، آینده بیت‌کوین نه‌فقط در دست معامله‌گران روزانه، بلکه در اختیار همین بازیگران بزرگ و اثرگذار رقم می‌خورد.

دارایی‌های اساتوی ساتوشی و انباشت شرکتی با اطمینان می‌توان گفت که بزرگ‌ترین دارنده فردی بیت‌کوین، خالق ناشناس آن، یعنی سلناوشی تاگاموتو است. تخمین‌ها نشان می‌دهد که ساتوشی حدود ۹۶۸۴۵۲ واحد BTC را در اختیار دارد. این حجم عظیم از دارایی، پاداش‌های بلوک‌هایی بود که ساتوشی در مراحل اولیه بیت‌کوین استخراج کرد. این بیت‌کوین‌ها که تا دسامبر ۲۰۲۴ ارزشی معادل ۹۴میلیارد دلار پیدا کردند، سهم قابل‌توجهی از کل عرضه به شمار می‌آیند. نکته قابل‌توجه این است که این سکه‌ها تقریبا دست‌نخورده باقی ماندند.

ساتوشی در سال ۲۰۱۰ پروژه را رها کرد و از آن زمان تاکنون هیچ خبری از او منتشر نشد. اگرچه ساتوشی در صدر جدول قرار دارد، نهادهای رسمی نیز سهم قابل‌توجهی از عرضه جهانی بیت‌کوین را به خود اختصاص دادند. شرکت MicroStrategy با استخاذ یک استراتژی جسورانه، به بزرگ‌ترین دارنده شرکتی بیت‌کوین تبدیل شده است. این شرکت با هدف استفاده از بیت‌کوین به عنوان ذخیره‌کننده ارزش در برابر تورم، تا تاریخ گزارش اولیه ۵۹۷۳۲۵ واحد BTC انباشت کرده بود.

شرکت‌های عمومی دیگری مانند Robinhood Markets ب ۱۳۶۷۵۵ واحد BTC و Tesla با ۱۱۵۰۹ واحد BTC نیز به انباشت این دارایی ادامه می‌دهند. علاوه بر این، صندوق‌های قابل معامله در بورس (ETF) و صندوق‌های سرمایه‌گذاری دیگر در مجموع حدود ۱۲۵۰۰۰۰ واحد BTC را کنترل می‌کنند و BlackRock’ s iShares Bitcoin که Trust به تنهایی با تقریبا ۵۳۰۸۳۱ واحد BTC مدیریت می‌کند.

نهنگ‌های فردی و حضور دولت‌ها

در بخش توزیع ثروت بیت‌کوین، سرمایه‌گذاران بسیار ثروتمند که به عنوان نهنگ شناخته می‌شوند، نقش بزرگی ایفا می‌کنند. آدرس‌هایی که بیش از ۱۰۰۰۰ واحد BTC دارند، سهم قابل‌توجهی از عرضه را تشکیل می‌دهند. به عنوان مثال، تایلر و کامرون وینکلواوس تخمین زده می‌شوند که حدود ۷۰۰۰۰ واحد BTC داشته باشند و تیم درابر نیز ۲۹۶۵۶ واحد BTC خریداری کرد. همچنین، مایکل سایلوو، رئیس MicroStrategy، ششما ۱۷۷۳۷ واحد BTC را در اختیار دارد.

در نهایت، دولت‌ها در سراسر جهان نیز وارد این عرصه شده‌اند و تخمین زده می‌شود که مجموعا حدود ۳۷۰۰۰۰ واحد BTC را نگهداری می‌کنند. این دارایی‌ها از طریق صادره‌های قانونی و خریدهای استراتژیک به دست آمدند. دولت ایالات متحده و دولت چین از طریق صادره‌های بزرگ‌ترین دارندگان دولتی بیت‌کوین محسوب می‌شوند.

علاوه بر این، کشورهایی مانند پادشاهی بوتان با ۱۲۵۷۸ واحد BTC و السالوادور که بیت‌کوین را به عنوان پول قانونی پذیرفت، با ۵۹۶۳ واحد BTC دارای ذخایر مهمی هستند. با محدودیت سخت‌گیرانه ۱۲میلیون واحدی برای کل عرضه بیت‌کوین، هر واحد دارایی اهمیت زیادی پیدا می‌کند و این رقابت برای مالکیت دیجیتال همچنان ادامه دارد.

▼ فصل سرد بیت‌کوین

بازار ارزهای دیجیتال در هفته‌های اخیر با کاهش قابل‌توجهی در قیمت بیت‌کوین و اتریوم مواجه شد. این افت شدید ارزش، نگرانی‌های فراوانی را در میان سرمایه‌گذاران ایجاد کرده و توجه بازارهای جهانی را به خود جلب کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که چند عامل اصلی باعث شدیدی بر رماززارهای اصلی وارد کرده است. یکی از مهم‌ترین دلایل سقوط اخیر بازار، فروش‌های گسترده و لیکوئیدیشن‌های سنگین در بازارهای مشتقه کریپتو است. در روزهای اخیر بیش از ۴۰۰۰۰ معامله‌گر در بازارهای آتی و قراردادهای دائمی با لیکوئیدیشن مواجه شدند که حدود ۱.۷میلیارد دلار از موقعیت‌های لاگ از بین رفت.



بازی دوگانه غرب با روسیه

لیلا جلیلووند – ائتلاف اوپک پلاس که نزدیک به نیمی از نفت جهان (حدود ۴۰میلیون بشکه در روز) را تولید می‌کند، بار دیگر در آستانه تصمیمی مهم قرار گرفته است.

سه منبع آگاه به مذاکرات درون‌سازمانی به روتیزر خبر داده‌اند که این گروه احتمالاً در نشست روز یکشنبه آینده خود، افزایش جدیدی در تولید نفت به میزان دست‌کم ۱۲۷ هزار بشکه در روز برای ماه نوامبر تصویب خواهد کرد. این اقدام ادامه روندی است که از ماه آوریل آغاز شد؛ روندی که طی آن اوپک‌پلاس مسیر کاهش تولید را معکوس کرده و بیش از ۲.۵میلیون بشکه در روز به تولید جهانی افزوده است؛ رقمی معادل ۲ درصد از تقاضای نفت جهان. اوپک‌پلاس در سال‌های گذشته با هدف مهار مازاد عرضه و حمایت از قیمت‌ها، برنامه‌ای گسترده از کاهش تولید را پیش گرفت که در مقطعی به ۶میلیون بشکه در روز رسید.

این کاهش‌ها شامل سه لایه بود: کاهش داوطلبانه ۲.۲میلیون بشکه‌ای، کاهش ۱.۶۵میلیون بشکه‌ای از سوی هشت کشور عضو و در نهایت کاهش گروهی ۲میلیون بشکه‌ای که تا پایان سال ۲۰۲۶ ادامه خواهد داشت. اما از آوریل سال جاری، تحت فشار ایالات متحده و به‌ویژه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که بارها خواستار کاهش قیمت بنزین و نفت برای حمایت از مصرف‌کنندگان آمریکایی شده بود، اوپک‌پلاس راهبرد خود را تغییر داد. افزایش‌های پی‌درپی سهم بازار را برای این ائتلاف تقویت کرده و همزمان موجب شده قیمت‌ها در محدوده ۶۰ تا ۷۰ دلار در هر بشکه نوسان کند.

قیمت در سایه تحولات ژئوپلیتیک

بازار نفت طی ماه‌های اخیر شاهد فراز و فرودهای متعددی بوده است. در ابتدای سال قیمت‌ها بالای ۸۰ دلار در هر بشکه قرار داشت، اما با آغاز روند افزایش تولید از سوی اوپک‌پلاس، قیمت‌ها عمدتاً در بازه ۶۵ تا ۷۰ دلار تثبیت شد. با این حال، هفته گذشته حملات پهپادی اوکراین به زیرساخت‌های انرژی روسیه که موجب اختلال در پالایش و صادرات این کشور شد، بهای نفت را بار دیگر به بالای ۷۰ دلار رساند. این بالاترین سطح از اول ماه اوت تاکنون بود. در روز جمعه ۲۶ سپتامبر، قیمت برنت به بیشترین میزان از پایان ژوئیه رسید و همین افزایش انگیزه اوپک‌پلاس را برای ادامه روند بالا بردن تولید بیشتر کرده است. با وجود این، آغاز دوباره صادرات نفت از اقلیم کردستان عراق از طریق خط لوله به بندر جیهان ترکیه که پس از دو سال و نیم توقف عملیاتی شد، فشار نزولی جدیدی بر قیمت‌ها وارد کرد. وزارت نفت عراق اعلام کرده این خط لوله در مرحله نخست ۱۹۰ هزار بشکه در روز نفت صادر خواهد کرد و ظرفیت آن می‌تواند تا ۲۲۰ هزار بشکه افزایش یابد.

نرسند آتلاین؛ تصمیم‌گیری برای نوامبر

بر اساس گزارش منابع آگاه، هشت کشور اوپک‌پلاس قرار است روز پنجم اکتبر (۱۴ مهر) نشست آنلاینی برگزار کنند تا درباره میزان افزایش تولید در ماه نوامبر تصمیم‌گیری کنند. انتظار می‌رود این افزایش حداقل ۱۲۷ هزار بشکه



رکوردشکنی تولید نفت

وزیر نفت گفت: رکورد تولید نفت کشور با اجرای اقدام‌های توسعه‌ای در میدان‌های نفتی به همت تلاش شبانه‌روزی کارکنان صنعت نفت شکسته شد.

رکوردشکنی تولید نفت به گزارش شانا، محسن پاک‌نژاد با اشاره به رشد قابل ملاحظه تولید نفت در سال جاری اظهار کرد: با تلاش همکاران در میدان‌های نفتی، موفق شدیم رکورد تازه‌ای را در تولید نفت کشور به ثبت برسانیم؛ رکوردی که در هفت سال گذشته (از سال ۱۳۹۷ تاکنون) بی‌سابقه بوده است. وی افزود: حفاری‌های درون‌میدانی، انجام عملیات بازیابی و بهبود تولید (workover) روی چاه‌ها و بهره‌برداری از بخشی از ظرفیت مرکز فرآورش نفت خام میدان آزادگان از جمله اقدام‌هایی بود که نقش موثری در شکست تحقیقات، با هدف افزایش تولید ایفا کرد. وزیر نفت تصریح کرد: این دستاورد نتیجه تلاش شبانه‌روزی کارکنان صنعت نفت و برنامه‌ریزی دقیق در حوزه بالادستی و تاسیسات سطح‌الارضی است که توانسته ما را به نقطه‌ای برساند که امروز شاهد ثبت یک رکورد در تولید باشیم.

در روز باشد؛ معادل رقمی که در ماه اکتبر اجرا شد. با این حال، تصمیم نهایی هنوز گرفته نشده و احتمال تغییر اعداد وجود دارد.

نکته مهم آن است که اگرچه اوپک‌پلاس تصمیم به افزایش تولید گرفته، اما در عمل میزان تولید واقعی اغلب کمتر از سهمیه‌های تعیین‌شده است. تحلیلگران می‌گویند بسیاری از اعضا اکنون در سقف ظرفیت تولید خود فعالیت می‌کنند و قادر به اجرای کامل افزایش‌های وعده‌داده‌شده نیستند. برآوردها نشان می‌دهد تولید واقعی گروه حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز کمتر از اهداف رسمی است؛ موضوعی که مانع از شکل‌گیری مازاد عرضه شدید در بازار شده است.

امتیاز به امارات؛ نشانه‌ای از اختلافات پنهان

یکی از تصمیمات قابل توجه در ماه‌های اخیر، اعطای مجوز به امارات متحده عربی برای افزایش تولید تا سقف ۳۰۰ هزار بشکه در روز بین آوریل و سپتامبر بود. این امتیاز نشان‌دهنده فشارهای درونی و چانه‌زنی‌های سیاسی میان اعضای اوپک‌پلاس است. هرچند این گروه در ظاهر تلاش دارد انسجام خود را حفظ کند، اما اختلاف منافع میان کشورهای عضو (از عربستان سعودی گرفته تا روسیه و امارات) چالشی مداوم برای آینده این ائتلاف به شمار می‌رود. روز دوشنبه ۲۹ سپتامبر، در پی خبر از سرگیری صادرات نفت اقلیم کردستان و همزمان انتشار گزارش‌هایی درباره افزایش تولید نوامبر، قیمت نفت با کاهش نزدیک به یک درصد مواجه شد. بهای برنت به ۶۹ دلار و نفت خام آمریکا (WTI) به ۶۵ دلار رسید. این افت تقریباً تمام رشد قیمت روز جمعه را خنثی کرد. مایکل مک‌کارتی، مدیرعامل پلتفرم سرمایه‌گذاری Moomoo در استرالیا و نیوزیلند، در این‌باره گفت: «ترس از افزایش بیشتر تولید مانع از رشد قیمت‌ها می‌شود، اما در کوتاه‌مدت چشم‌انداز محدودیت عرضه باعث شده قیمت نفت همچنان در یک تنگنای فشرده قرار گیرد.»

معادله پیچیده عرضه و تقاضا

بازار جهانی نفت این روزها تحت‌تأثیر دو عامل متضاد قرار دارد. از یک سو، افزایش تولید اوپک‌پلاس و بازگشت صادرات اقلیم کردستان به معنای تزریق عرضه بیشتر به بازار است که به‌طور طبیعی فشار کاهشی بر قیمت‌ها وارد می‌کند. از سوی دیگر، ریسک‌های ژئوپلیتیک (از جمله جنگ اوکراین و حملات پهپادی به تاسیسات روسیه) به‌عنوان محرک‌های صعودی عمل می‌کنند و مانع از سقوط شدید قیمت‌ها می‌شوند. افزون بر این، تقاضای جهانی نفت در شرایطی است که با وجود نگرانی‌ها درباره رکود اقتصادی در برخی مناطق، همچنان پایدار مانده و حتی در بخش‌هایی از آسیا روندی افزایشی نشان می‌دهد. چین، به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، پس از یک دوره کندی رشد اقتصادی، نشانه‌هایی از بازگشت تقاضا را بروز داده است. این عامل نیز توازن عرضه و تقاضا را به نفع حفظ قیمت‌ها در محدوده کنونی تغییر می‌دهد.

فشارهای سیاسی و اقتصادی

نمی‌توان نقش سیاست را در تصمیم‌های اوپک‌پلاس نادیده گرفت. ایالات متحده بارها این گروه را به دلیل کاهش تولید و بالا نگه‌داشتن قیمت‌ها مورد انتقاد قرار داده است. در مقابل، کشورهای عضو اوپک‌پلاس تلاش می‌کنند با افزایش تدریجی تولید هم فشارهای سیاسی را کاهش دهند و هم سهم بازار خود را از دست ندهند. با این حال، توان تولید واقعی و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری اعضا محدودیت‌های بزرگی برای تحقق اهداف رسمی ایجاد کرده است. در این میان، عربستان سعودی به‌عنوان رهبر سنتی اوپک و روسیه به‌عنوان شریک کلیدی خارج از اوپک، بیشترین تأثیر را بر تصمیم‌های گروه دارند. هماهنگی این دو کشور در ماه‌های آینده نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر بازار جهانی ایفا خواهد کرد.

چشم‌انداز پیش‌رو

چشم‌انداز پیش‌رو نشان می‌دهد که اوپک‌پلاس احتمالاً در کوتاه‌مدت به سیاست افزایش‌های تدریجی تولید ادامه خواهد داد، اما تداوم این مسیر به مجموعه‌ای از عوامل وابسته است. تحولات ژئوپلیتیک، از جمله شدت گرفتن جنگ اوکراین یا اختلال گسترده‌تر در صادرات روسیه، می‌تواند بار دیگر بازار را با شوک عرضه مواجه کند. در سوی دیگر، بازگشت عرضه‌های معلق همچون از سرگیری صادرات نفت اقلیم کردستان یا احتمال بازگشت نفت ایران در صورت پیشرفت مذاکرات هسته‌ای، قادر است معادله بازار را به‌طور اساسی تغییر دهد. افزون بر این، وضعیت اقتصاد جهانی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ چرا که هرگونه رکود در اقتصادهای بزرگ مانند آمریکا یا اتحادیه اروپا می‌تواند تقاضا برای نفت را کاهش دهد و فشار نزولی تازه‌ای بر قیمت‌ها وارد کند. اوپک‌پلاس بار دیگر در موقعیتی حساس قرار گرفته است. از یک سو، فشار برای حفظ سهم بازار و پاسخ به انتقادات آمریکا این گروه را به سمت افزایش تولید سوق می‌دهد. از سوی دیگر، محدودیت‌های ظرفیت تولیدی اعضا و تداوم ریسک‌های ژئوپلیتیک مانع از تحقق کامل افزایش‌ها و ایجاد مازاد عرضه چشم‌گیر می‌شود. تصمیم احتمالی برای افزایش ۱۲۷ هزار بشکه‌ای تولید در نوامبر بیش از آن‌که به معنای تغییر بنیادین در عرضه جهانی باشد، نمادی از تداوم سیاست تدریجی و محتاطانه این ائتلاف است.

بازار جهانی نفت همچنان در مرز پارک میان مازاد و کمبود قرار دارد و هر تحول سیاسی یا اقتصادی می‌تواند این تعادل شکنندۀ را بر هم زند. به نظر می‌رسد اوپک‌پلاس با آگاهی از این شرایط، تلاش می‌کند ضمن حفظ انسجام داخلی، سیگنال روشنی به بازار ارسال کند. افزایش تولید ادامه خواهد داشت، اما نه آن‌قدر زیاد که قیمت‌ها را فرو بپاشد. در نهایت، سال جاری برای بازار نفت سالی خواهد بود که بیش از هر زمان دیگری میان سیاست و اقتصاد در نوسان است.

سوخت جایگزین برای کشتی‌ها



حسن‌رضا صفری، رئیس انجمن مهندسی دریایی ایران در این رابطه تأکید کرد که همکاری بین سازمان‌ها و شرکت‌های دریایی، از جمله شرکت ملی نفتکش، سازمان بنادر و دریانوردی و سایر کشتیرانی‌ها، برای پیشبرد این پروژه به صورت متحد و هماهنگ در جریان است. صفری گفت: در انجمن مهندسی دریایی، تمام الزامات و چارچوب‌های لازم برای اجرای این طرح را آماده کرده‌ام تا شرکت‌های دریایی و تصمیم‌گیران بتوانند به راحتی این اطلاعات را پردازش و تصمیمات لازم را اتخاذ کنند.

وی با تقدیر از مشارکت فعال جوانان نخبه دانش‌آموخته در این پروژه افزود: برای اولین بار جوانان در چنین سطحی اجازه حضور و ایفای نقش پیدا کرده‌اند و ما به این تلاش‌ها افتخار می‌کنیم. هدف ما ایجاد فضایی است که جوانان بیش از پیش احساس غرور، افتخار و اثربخشی کنند و مسیر پیشرفت حرفه‌ای خود را در حوزه دریایی به شکل عملی و موثر بسازند.

صفری بر اهمیت استمرار این همکاری‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت جوانان در توسعه فناوری‌های جایگزین در ناوگان دریایی تأکید کرد و اعلام آمادگی کرد که موسسه رده‌بندی ایرانیان و انجمن مهندسی دریایی ایران در این مسیر حداکثر حمایت و همکاری را ارائه خواهند داد.

اهمیت مدیریت دانش

حسین روستا، نماینده سازمان صنایع دریایی و رئیس کارگروه مدیریت دانش انجمن مهندسی دریایی ایران نیز در نشستی که به‌منظور بحث و تبادل نظر پیرامون تعیین سوخت جایگزین برای ناوگان کشتیرانی ایران برگزار شد، به بررسی اهمیت مدیریت و بهره‌برداری از دانش در فرآیند توسعه سوخت جایگزین در ناوگان دریایی کشور پرداخت. وی توضیح داد که تولید و به‌کارگیری سوخت‌های جایگزین نیازمند همکاری سه گروه اصلی دانشی است؛ دانشگاه‌ها، صنایع و نهادهای دولتی. روستا تأکید کرد: دانش اولیه و علمی تولید سوخت توسط دانشگاه‌ها فراهم می‌شود، اما صنایع و نهادهای اجرایی نیز باید امکان استفاده عملی از این دانش را فراهم کنند تا تولید سوخت با موفقیت انجام شود. وی افزود: بهره‌برداری موثر از دانش، مستلزم استفاده از ابزارهای مدیریتی و ارزیابی داده‌ها است و تجربه شخصی بنده نشان داده که ابزارهای مدرن می‌توانند شناسایی دانش

انرژی



دوشنبه ۱۱ اسفند ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۷۳

www.marzeghtesad.ir

۷ راهکار داخلی برای رفع ناترازی انرژی

انرژی

یکی از مهم‌ترین دلایل ناترازی انرژی در ایران، وابستگی شدید به سوخت‌های فسیلی مانند گاز طبیعی و نفت است. با وجود ظرفیت‌های بالای انرژی‌های تجدیدپذیر، از جمله خورشیدی و بادی، سهم این منابع در سبد انرژی ایران، سهم زیادی نیست. این در حالی است که پاره‌های کلان برداخت‌شده به سوخت‌های فسیلی، مانع جدی در مسیر توسعه انرژی‌های پاک به شمار می‌رود و بهره‌وری انرژی را در سطحی پایین نگه می‌دارد. از سوی دیگر، مصرف بالای انرژی در بخش‌های خانگی، صنعتی و حمل‌ونقل بدون لحاظ کردن راندمان و بهینه‌سازی، یکی دیگر از علل اساسی ناترازی انرژی است.

الگوی مصرف انرژی در ایران با استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارد و به دلیل نبود مشوق‌های موثر برای صرفه‌جویی، سالانه مقدار زیادی انرژی تلف می‌شود. در این میان، تجهیزات قدیمی، میزان کارآمدی شبکه‌های انتقال و توزیع و تلفات در شبکه نیز در صورتی که چاره جویی نشود، این مشکل را تشدید می‌کند.

مسائل مدیریتی و سیاستگذاری نیز عامل مهم دیگری است. عدم توجه به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های درازمدت و موثر در حوزه انرژی موجب سردرگمی سرمایه‌گذاران و کندی در توسعه زیرساخت‌های تولید و توزیع انرژی خواهد شد. علاوه بر آن، تمرکزگرایی در سیاستگذاری انرژی و هماهنگی میان نهادهای تصمیم‌گیر، روند اصلاحات را با دشواری روبه‌رو خواهد ساخت. در نهایت، تغییرات اقلیمی و مشکلات زیست‌محیطی نیز نقش قابل‌توجهی دارند. کاهش منابع آبی، افزایش دما و انتشار ریزگردها در برخی مناطق کشور باعث کاهش راندمان نیروگاه‌ها و تولید انرژی خورشیدی شده است.در مجموع، ناترازی انرژی در ایران نتیجه ترکیب پیچیدهای از مشکلات ساختاری، مسائل مدیریتی، عوامل اقتصادی و چالش‌های زیست‌محیطی است. برای رسیدن به پایداری در حوزه انرژی، کشور نیازمند اصلاحات جدی در سیاستگذاری، توسعه فناوری‌های نوین، فرهنگ‌سازی و ارتقای بهره‌وری است.

یکی از اصلی‌ترین عوامل ناترازی انرژی در ایران، فقدان یک سند جامع، شفاف و مبتنی بر آینده‌نگری در حوزه انرژی است. سیاست‌های کلان کشور در حوزه انرژی اغلب به‌صورت مقطعی، واکنشی و بدون توجه به تغییرات جهانی و الزامات زیست‌محیطی اتخاذ می‌شوند. تدوین یک استراتژی ملی انرژی که تمامی بازیگران (دولت، بخش خصوصی، نهادهای علمی و بین‌المللی) را در بر گیرد، موجب تصمیم‌گیری‌های موثر می‌شود. در ساختار مدیریت انرژی ایران، بیشتر تصمیم‌گیری‌ها در سطح متمرکز و توسط نهادهای دولتی صورت می‌گیرد. این تمرکزگرایی، مانعی جدی برای ورود نهادهای محلی، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و مردم به فرآیند تصمیم‌سازی و نظارت بر پروژه‌های انرژی است. در حالی‌که تجربه جهانی نشان داده است که حکمرانی مشارکتی یکی از عوامل کلیدی در توسعه پایدار انرژی‌های تجدیدپذیر و بهینه‌سازی مصرف است.

تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه انرژی (وزارت نفت، وزارت نیرو، سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر، سازمان برنامه و بودجه، سازمان محیط زیست و…) نبود هماهنگی موثر بین آنها، موجب تداخل مأموریت‌ها، دوباره‌کاری و تعارض در اجرای سیاست‌ها خواهد شد. برای مثال، در حالی‌که وزارت نیرو به دنبال توسعه انرژی خورشیدی است، وزارت نفت بر افزایش بهره‌برداری از گاز تأکید دارد، باید این دو رویکرد در یک سیاست جامع تلفیق شوند. سرمایه‌گذاری در بخش انرژی نیازمند ثبات و پیش‌بینی‌پذیری قوانین و مقررات است. در ایران، بارها قوانین مرتبط با تعرفه‌ها، نرخ خرید تضمینی برق، مشوق‌های سرمایه‌گذاری یا مجوزهای مربوطه تغییر کرده‌اند. این روند موجب کاهش اطمینان و سرمایه‌گذاران و خروج آنها از پروژه‌های انرژی می‌شود که خود عاملی در عدم تعادل تولید و مصرف انرژی است.

موضوع سامانه‌های انرژی یکی دیگر از عوامل مدیریتی مهم تناز انرژی است. در صورت وجود داده‌های دقیق، به‌روز و قابل اعتماد از وضعیت تولید، مصرف، تلفات، ذخیره‌سازی و انتقال انرژی، قطعاً سیاستگذاری‌های مبتنی بر داده‌های صحیح بوده و بر اساس تخمین و بر شکل نمی‌گیرند. این موضوع موجب می‌شود پروژه‌ها با ارزیابی دقیق انجام گیرند و منابع به صورت بهینه تخصیص یابند. مدیریت انرژی یک دانش تخصصی و نیازمند مهارت‌های روزآمد در زمینه اقتصاد انرژی، فناوری‌های نوین، سیاستگذاری زیست‌محیطی و مدیریت منابع است. در بسیاری از سطوح مدیریتی کشور، این مهارت‌ها و دانش تخصصی باید افزایش یابد تا باعث تصمیم‌گیری‌های دقیق تر، پیشرفت در فناوری و انتخاب‌های کم هزینه شود.

ناترازی انرژی در ایران تنها یک مساله فنی یا اقتصادی نیست، بلکه در درجه اول یکی معضل مدیریتی محسوب می‌شود که نیازمند اصلاحات در حکمرانی انرژی کشور است. تدوین یک راهبرد ملی پایدار، کاهش تمرکزگرایی، تقویت حکمرانی مشارکتی، ایجاد هماهنگی میان نهادهای، ثبات قوانین، شفاف‌سازی هزینه‌ها و ارتقای آموزش مدیران از جمله اقدامات کلیدی برای رفع این بحران به‌شمار می‌روند. بدون اصلاحات جدی در حوزه مدیریت، دستیابی به امنیت انرژی و توسعه پایدار امکان‌پذیر نخواهد بود.



♥ **خردجمعی برای حل بحران‌ها**
پانزدهمین رویداد جامع معدن و صنایع معدنی از صبح روز دوشنبه ۲۷مردادماه به همت گروه رسانه‌ای «دنیایاقتصاد» در مرکز همایش‌های برج میلاد آغاز به کار کرد. این رویداد تا ۳۰ مردادماه ادامه دارد. بررسی چالش‌های اصلی بخش معدن و صنایع معدنی از جمله ناترازی‌های انرژی، توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، الزامات محیط زیستی در کنار تداوم فعالیت‌های معدنی و همچنین تحقق اهداف توسعه‌ای در زنجیره فولاد کشور، ازجمله مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این همایش بودند. درهمین حال ارائه راهکارهای عملی برای توسعه پایدار بخش معدن مورد توجه سخنرانان این رویداد مهم معدنی قرار گرفت. سیدمحمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در پیامی ویدئویی خطاب به حاضران در این همایش، به نقش رویداد جامع معدنی و صنایع معدنی «دنیای اقتصاد» در مسیر پیشرفت صنایع اشاره داشت و تأکید کرد که گذار از ابربحران‌های کنونی نیازمند خرد جمعی و بهره‌مندی از نظرات متخصصانی همچون حاضرین در این رویداد است.

در ابتدا علیرضا بختیاری، مدیرمسوول ضمن خوشامدگویی به حاضران، در رابطه با چالش‌های بخش معدن ایران گفت: در سال‌های اخیر، با توجه به اعمال تحریم‌های گسترده، تغییرات سریع بازارهای جهانی و نیاز به انطباق با استانداردهای بین‌المللی، معدن و صنایع معدنی ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. در یکسو، نوسانات قیمت مواد اولیه، ناترازی انرژی و ریسک‌های سیاسی و در سوی دیگر، فشارهای زیست‌محیطی و الزامات قانونی جدید، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند.

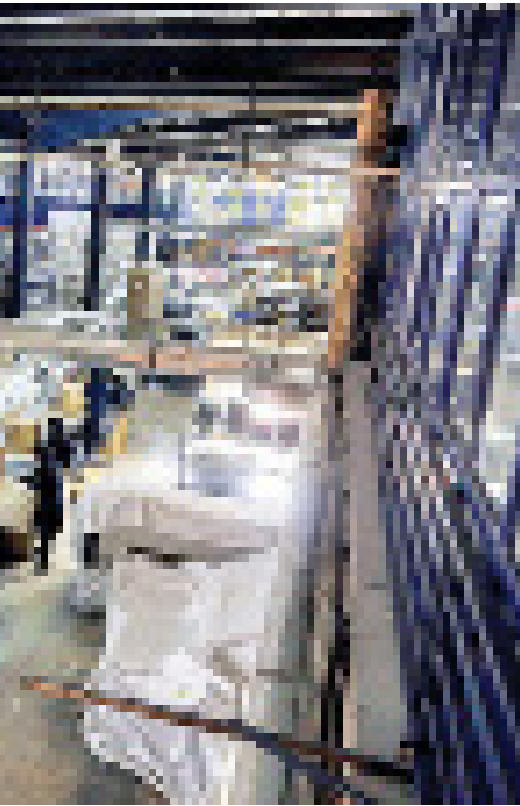
بختیاری در ادامه گفت: در سال‌های گذشته، این هشدار داده شد که سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی رشد قابل اعتنایی ندارد و رشد بلندمدت این بخش در معرض خطر است. اکنون متأسفانه همه آن نگرانی‌ها به وقوت خود باقی است و مسائل دیگری نیز به آن اضافه شده است. او تأکید کرد: نخستین و مهم‌ترین عامل غیراقتصادی که راه فعالیت‌های اقتصادی را لاهموار کرد، تهدید خارجی و موانع تحریمی است. مرتفع کردن این موانع، در گرو افزایش تحرک دسته‌دییلماسی و تقویت قوای دفاعی کشور و تقویت سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و تحکیم وحدت ملی است. بختیاری ادامه داد: ایران در دو دهه اخیر بسیاری از فرصت‌های اصلاح اقتصادی را از دست داده است و در سال جاری که قرار بوده است مطابق مفاد سند چشم‌انداز بیست ساله، به «چایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی» دست یابد، با این هدف فاصله زیادی دارد.

گفت: با این حال، هنوز روزنه‌های امید گشوده است و با مدیریت علمی و سنجیده اموری می‌توان اوضاع را بهتر کرد. بنیاد معدن و صنایع معدنی از جمله تولید بر نوسازی تکنولوژی و از جنبه تجاری بر صادرات استوار است. فعالان صنایع معدنی برای اجرایی کردن این دو جزء، مکمل، قابلیت‌های تخصصی کافی دارند و به کمک دولت نیاز ندارند، اما این فعالیت‌های تکنیکی و بنگاهی خواه ناخواه با سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌های دولت گره خورده است.

بختیاری در پایان تأکید کرد: امیدواریم دولت با درس گرفتن از تجربه‌ها و ناکامی‌ها در زمینه تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۴-۱۴۰۴، از کاستی‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه و عدم‌توازن‌های آشکار و پنهان در بودجه‌های سالانه، اکنون متقاعد شده باشد که اهالی کسب‌وکار و بازارها منطق اقتصاد را بهتر می‌شناسند و هر چه فاصله دولت از بنگاهداری و تصدی‌گرایی بیشتر شود، چشم‌انداز رشد اقتصادی و رفاه همگانی روشن‌تر می‌شود. ضرورت‌اتکا بر خرد جمعی برای مواجهه با ابربحران‌ها

سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت در پیامی ویدئویی برای حاضران در رویداد جامع معدن و صنایع معدنی ۴-۱۴۰۴، از پیشکسوتان، اندیشمندان و متخصصان حاضر در این همایش قدردانی کرد و گفت: قدران برگزاری سالانه همایش معدن و صنایع معدنی توسط مجموعه رسانه‌ای «دنیای اقتصاد» هستند. هر ساله بر غنای این همایش افزوده شده است. این رویداد در طول سالیان گذشته تأثیر بسزایی بر پیشرفت صنایع داشته است و در همین راستا از زحمات مدیرمسوول این گروه رسانه‌ای تشکر می‌کنم.

معدن و صنایع معدنی در ترازوی جهانی افزود: این رویداد در سال‌ جاری بنا ابتکار و ایجاد رویکردی جدید به تولید و بازار برگزار می‌شود و اثرات مثبت و ماندگاری را برای صنایع به دنبال خواهد داشت. وزیر صمت با اشاره به بحران‌های پیش روی صنعت و معدن گفت: در حال حاضر فعالان بخش معدن و صنایع معدنی با چالش‌های متعددی در روند فعالیت خود مواجه هستند. این مشکلات در سال‌های گذشته شدت گرفته و اکنون به ابربحران بدل شده‌اند. ناترازی انرژی یکی از همین ابربرحان‌های است.



تابستان تاریک صنایع

عروسیا حسن پور – تابستانی که گذشت، زنگ خطر جدی برای صنعت ایران بود. فصلی که با قطع مکرر برق رکود را برای تولید به ارمان آورد.

نمای داخلی از یک کارخانه تولید فولاد در استان خراسان جنوبی، در حالی که برق در آنجا قطع شده است.

تابستانی که گذشت، زنگ خطر جدی برای صنعت ایران بود. فصلی که با قطع مکرر برق رکود را برای تولید به ارمعنان آورد. قطعی‌های مکرر برق و کمبود آب، در کنار مشکلات دیرینه نقدینگی و رکود بازار، آسیب‌های جدی به صنایع کشور وارد کرد. این در حالی است که صنعت ایران بیش از هر زمان دیگری به تأمین پایدار انرژی نیاز دارد. قطعی‌های مکرر برق در صنایع، موجب شد بیش از نیمی از ظرفیت تولید از دست برود و برنامه‌های توسعه‌ای متوقف شود. در کنار این، مشکلاتی همچون قاچاق، تعرفه‌های واردات، نوسانات ارزی و نبود امنیت اقتصادی، فضای تولید را تیره‌تر کرده است. با وجود این، چشم‌انداز توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و نوسازی زیرساخت‌های برق، کورسوی امید برای آینده است. اگر دولت بتواند با سیاستگذاری دقیق، امنیت و ثبات اقتصادی ایجاد کند، شاید تابستان‌های پیش رو برای صنعت ایران متفاوت باشد. فعالان صنعتی ایران در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد از آسیب‌های وارد شده به صنایع در تابستانی که گذشت سخن می‌گویند.

کاهش ۱۰میلیارد دلاری ارزش افزوده صنعت

مهدی بستانچی، رئیس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی کشور، در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد ضمن تشریح ابعاد این بحران، نسبت به تداوم وضعیت هشدار داده و راهکارهایی هم برای کاهش ناترازی انرژی ارائه کرد. بستانچی بیان کرد: «تابستان امسال را می‌توان پراسپ‌ترین سال برای صنایع کوچک و متوسط دانست. بسته به موفقیت جغرافیایی، واحدهای صنعتی با ۳۰ تا ۵۰ روز قطعی برق مواجه شد. این قطعی‌ها باعث شد بخش زیادی از تولیدات یا متوقف شود یا با کیفیت مطلوب به بازار نرسد.»

او با اشاره به همزمانی بحران آب افزود: «در کنار قطعی برق، بسیاری از شهرک‌های صنعتی با کمبود جدی آب نیز مواجه بودند. حتی صنایعی که توانسته بودند ژنراتور تهیه کنند، به دلیل محدودیت عرضه گازوئیل با مشکل روبه‌رو شدند.»

به گفته بستانچی، بیشترین خسارت متوجه صنایع کوچک و متوسط بوده است. او توضیح داد: «صنایع فلزی، شیمیایی و غذایی جزو بخش‌هایی بودند که آسیب جدی دیدند. در برخی رشته‌ها مثل صنایع مرتبط با ساختمان، افت تولید حتی تا ۵۰ درصد و بیشتر نیز گزارش شده است. برآوردها نشان می‌دهد قطعی برق تابستان گذشته حدود ۱۰میلیارد دلار از ارزش افزوده بخش صنعت کاسته است.» بستانچی با تأکید بر مشکلات موجود، می‌گوید: «مشکلات صنعت تنها به برق محدود نمی‌شود. از پنج سال پیش بحران‌های ساختاری آغاز شد و در سه سال اخیر شدت گرفت. نبود نقدینگی، رکود بازار و کاهش تقاضا همگی دست به دست هم داده‌اند تا تولید در صنایع کوچک و متوسط به نصف ظرفیت واقعی برسد.»

خسارت روزانه؛ بین ۵ تا ۱۰ هزارمیلیارد تومان

بستانچی در ادامه بیان کرد: «زبان ناشی از قطعی برق در شهرک‌های صنعتی روزانه بین ۵ تا ۱۰ هزارمیلیارد تومان برآورد می‌شود. این رقم بسته به منطقه و نوع صنعت متفاوت است، اما حتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت هم نشان‌دهنده فشار سنگینی بر بخش تولید است.»

به گفته وی، اقدامات دولت برای کاهش خاموشی‌ها بیشتر در سطح شعار باقی مانده است. بستانچی در این رابطه گفت: «مسولان بارها از توسعه نیروگاه‌های خورشیدی برای جبران کمبود برق سخن گفته‌اند، اما تا امروز اقدام عملی مشخصی مشاهده نشده است. وزارت نیرو در این زمینه منفعل عمل کرده و حتی زمینه حضور بخش خصوصی را هم تسهیل نکرده است. درحالی‌که بدون ورود سرمایه‌گذاران و حمایت واقعی



دولت، تحقق برنامه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر امکان‌پذیر نخواهد بود.» بستانچی یکی از مهم‌ترین ریشه‌های ناترازی برق را در صنعت تهیه مطبوع می‌داند: «حدود ۳۰ درصد مصرف برق در زمان پیک به تجهیزات تهیه مطبوع اختصاص دارد. این صنعت در دنیا هم انرژی‌بر است و ایران از این قاعده مستثنی نیست. با وجود این سهم بزرگ، تاکنون هیچ برنامه جامع و مدونی برای مدیریت مصرف در این حوزه تدوین نشده است. ما بارها اعلام کرده‌ایم آماده‌ایم برای دولت برنامه مشخصی ارائه دهیم. تغییر الگوها و استانداردها در این صنعت ضروری است. دولت باید برای کاهش مصرف برق در این بخش، راهکارهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در نظر بگیرد.»

یکی از نقدهای جدی بستانچی به سیاست‌های وزارت نیرو، بی‌توجهی به مدیریت مصرف است: «برای گرفتن انشعاب گاز در ساختمان‌ها، استانداردهای متعددی بررسی می‌شود؛ از لوله‌کشی گرفته تا محل نصب شیرها. اما در انشعاب برق، هیچ معیار فنی وجود ندارد. تنها شرط، پرداخت هزینه است. اینکه تجهیزات شما چه راندمانی دارند یا ساختمان چه میزان انرژی‌بر است، اصلا بررسی نمی‌شود. یعنی ما از همان نقطه شروع به موضوع مصرف بی‌توجهیم.»

بستانچی بیان کرد: «برای عبور از بحران باید در دو حوزه تولید و مصرف برق اقدامات فوری انجام شود: اول سرمایه‌گذاری در تولید یعنی توسعه واقعی انرژی‌های تجدیدپذیر و تشویق بخش خصوصی برای ورود به این حوزه لازم است. همچنین اصلاح الگوهای مصرف مانند بازنگری در استانداردهای تجهیزات انرژی‌بر، به‌ویژه در صنعت تهیه مطبوع و نیز مدیریت هوشمند مصرف خانگی و صنعتی که نیاز به تدوین مقررات برای استفاده بهینه از برق در ساعات پیک است. به جز این موارد لازم است دولت به زیرساخت‌های آب و سوخت توجه کند. یعنی وابستگی صنایع به منابع برپرسک مانند گازوئیل را کاهش دهد.»

چشم‌انداز نامطمئن برای صنایع

به گفته این مدیر صنعتی، اگر دولت همچنان به اقدامات مقطعی بسنده کند، تابستان‌های آینده نیز با بحران مشابهی مواجه خواهیم شد. بستانچی گفت: «مشکل ناترازی برق و آب یک‌ساله نیست، بلکه محصول سال‌ها غفلت است. اگر همین امروز برنامه‌ریزی نشود، خسارت‌ها در سال‌های آینده سنگین‌تر خواهد شد و امکان جبران از دست می‌رود.» بستانچی در پایان اضافه کرد: «صنعت ایران ظرفیت بالایی دارد، اما این ظرفیت تنها از انرژی پایدار و سیاست‌های هوشمندانه فعال می‌شود. اگر دولت نگاه جدی‌تری به بخش تولید داشته باشد، می‌توان امیدوار بود که تابستان‌های آینده، به جای خاموشی، شاهد روشنایی در بخش صنعت باشیم.»

بحران انرژی و تأثیر آن بر تولید کشور

علی لواف فعال بخش معدن در رابطه با وضعیت ناترازی به دنیای اقتصاد گفت: «شرایط امروز اقتصاد و صنعت ما در واقع تأیید همان دغدغه‌هایی است که پیش‌تر هم مطرح کرده بودیم. ضربات ناشی از قطعی برق و ناترازی انرژی، آسیب‌های بزرگی به بخش تولید وارد کرده است. اگر بخواهم صریح بگویم، دست‌کم پنج‌خبره اساسی به بدنه تولید کشور وارد شده است. محاسبه دقیق ریالی این خسارت‌ها اکنون ممکن نیست، چرا که باید در پایان سال و بر اساس داده‌های نهایی تولید ملی بررسی شود. اما واقعیت این است که همین امروز هم اثراتش برای فعالان اقتصادی کاملاً محسوس است.»

لواف در رابطه با اینکه قطعی‌ها چطور بر روند تولید تأثیر گذاشته است با بیان اینکه تولید یک روند پیوسته است، توضیح داد: «اگر چرخه یک روز متوقف شود، برای بازگشت به شرایط پایدار حداقل یک روز زمان

نمای داخلی از یک کارخانه تولید فولاد در استان خراسان جنوبی، در حالی که برق در آنجا قطع شده است.

مشاور امور بین‌الملل و توافق‌نامه‌های تجاری سازمان توسعه تجارت ایران اجرایی شدن «موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران و پنج کشور اتحادیه اوراسیا» را یکی از دستاوردهای مهم دولت چهاردهم در عرصه تجارت برشمرد.

به گزارش سازمان توسعه تجارت، میرهادی سیدی افزود: بعد از سال‌ها مذاکره توسط سازمان توسعه تجارت ایران، سرانجام موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران و پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا، شامل روسیه، بلاروس، قرقیزستان، قزاقستان و ارمنستان در بیست و پنجم اردیبهشت ماه سال جاری به طور رسمی اجرایی شد. با اجرای این موافقت‌نامه، اکثر کالاها از ایران به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا بدون پرداخت تعرفه گمرکی صادر می‌شوندوی با اشاره به موافقت‌نامه تجارت ترجیحی که از پنجم آبان سال ۱۳۹۸ میان ایران و این پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا اجرا شده بود، گفت: اجرای این توافق‌نامه نیز تأثیرات مثبتی در جهت افزایش تجارت فی مابین ایجاد کرده بود؛ به‌طوری‌که طی این پنج سال در مجموع صادرات ایران به پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا بیش از سه برابر افزایش یافته و ۰۰۰میلیون دلار، به حدود ۲میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳، رسیده است. مشاور امور بین‌الملل سازمان توسعه تجارت ایران همچنین ابراز امیدواری کرد: اجرای این موافقت‌نامه زمینه‌گسترده‌تری برای افزایش تجارت میان ایران و کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا فراهم کند.

رانت ارز چندنرخی

اتاق ایران با اشاره به اینکه در نشست با رئیس‌جمهور پیشنهادهایی برای بهبود اوضاع حوزه معدن و صنایع وابسته داده شد، گفت: ما در خواست کردیم که تشکل‌ها اجازه پیدا کنند زنجیره خود را مدیریت کرده و تمام شرایط ازجمله قیمت را خودشان تعیین کنند. بورس هم حفظ شود اما در قیمت و عرضه و… دخالتی نداشته باشد.شکوری افزود: ارز در حال حاضر صادرات زنجیره معدن نیز از مجرای رسمی وارد کشور شود و در بازار دوم با نرخ توافقی میان صادرکننده و واردکننده معامله شود.

به عقیده او، این تمهیدات هم صنعت فولاد را نجات می‌دهد، هم منجر به توسعه صادرات خواهد شد و هم می‌تواند مقدمه‌ای برای تک‌نرخی کردن ارز باشد.رئیس کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق ایران با تأکید بر اینکه تشکل‌های معدنی باید پیگیر این اتفاق باشند، اظهار کرد: این‌موضوع درمجموع به نفع کشور، مردم و

نیاز داریم. حالا در نظر بگیرید که در تابستان گذشته ما در هفته سه روز قطعی برق داشتیم. در برخی واحدها حتی چهار روز در هفته برق قطع می‌شد. این یعنی تولید اساساً پیوسته نبود. ما بارها پیشنهاد داده بودیم که اگر قرار است محدودیتی اعمال شود، به‌صورت زمان‌بندی مشخص و منظم، مثلاً یک بازه ثابت و قابل پیش‌بینی باشد. اما متأسفانه قطعی‌ها بی‌برنامه و نامنظم بود؛ یک روز برق داشتیم و روز بعد دوباره قطع می‌شد. این بی‌نظمی عملاً ضربه سنگین‌تری به تولید زد.» علی لواف با اشاره به تجربه سال گذشته گفت: «برای نمونه، مجتمع فولاد خوزستان تنها در یک دوره مشخص بیش از ۱۵ هزارمیلیارد تومان زیان دید. این فقط یک مورد از ده‌ها واحد بزرگ صنعتی است. حالا شما ابعاد این خسارت را در مقیاس ملی تصور کنید. این زیان‌ها نه‌تنها تراز مالی شرکت‌ها را دچار مشکل می‌کند، بلکه کل زنجیره توسعه صنعتی کشور را هم تحت فشار قرار می‌دهد.»

توسعه هر واحد صنعتی مستقیماً وابسته به درآمد حاصل از فروش و تداوم تولید است. لواف با بیان این نکته، تأکید کرد: «وقتی درآمد‌ها کاهش می‌یابد، حتی پرداخت حقوق کارگران در برخی واحدها دشوار می‌شود. در چنین شرایطی صحبت از توسعه و سرمایه‌گذاری آینده تقریباً غیرممکن است. واحدهای زیادی اکنون در وضعیت بقا قرار دارند؛ یعنی اگر بتوانند خود را سرپا نگه دارند، کار بزرگی کرده‌اند. این شرایط موجب شده بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای متوقف شود یا به تعویق بیفتد.»

خطای محاسباتی برای فعالان صنعتی

این فعال معدنی با اشاره به وعده‌های قبلی دولت گفت: «وزیر نیرو پیش از آغاز سال اعلام کرده بود که امسال هیچ قطعی برقی نخواهیم داشت. این به نظر من یک خطای محاسباتی و گفتاری جدی بود، چرا که در عمل خلاف آن رخ داد. حالا دولت برنامه‌ای برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه برق خورشیدی مطرح کرده است. اگر این برنامه با جدیت دنبال شود، شاید بتوانیم تا ۱۲ هزار مگاوات ظرفیت جدید وارد مدار کنیم. البته باید توجه داشت که بازه پنل‌های خورشیدی معمولاً بیش از ۲۱ تا ۲۳ درصد نیست. بنابراین برای دستیابی به ظرفیت مؤثر، نیاز به سرمایه‌گذاری گسترده و زیرساخت بزرگ داریم.»

به گفته او، این یک تصور اشتباه است که فکر کنیم فقط با پنل‌های خورشیدی می‌توانیم مشکل برق کشور را حل کنیم. ما باید ترکیبی از منابع را به کار بگیریم: نیروگاه‌های حرارتی با راندمان بالا، پروژه‌های CHP، نیروگاه‌های برقی‌ابی، و البته تجدیدپذیرها. کشور نیازمند یک سبید متنوع انرژی است. برق موتور محرک توسعه است. بدون برق نمی‌توان تولید را پایدار کرد، سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرد یا حتی برنامه‌های توسعه‌ای را پیش برد.

لواف گفت: «مدیریت مصرف بخش مهم دیگری است. متأسفانه در کشور ما به دلیل پایین بودن قیمت انرژی، مصرف به شکل غیرمنطقی بالاست. برق، گاز و حتی آب و بنزین با بهای ناچیز در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد و این موجب شده فرهنگ صرفه‌جویی ضعیف باشد. درحالی‌که در بسیاری از کشورهای دنیا انرژی کالایی بسیار ارزشمند است. بنابراین هم آموزش عمومی و هم سیاستگذاری قیمتی باید به سمتی برود که مصرف بهینه در دستور کار قرار گیرد.» لواف در پاسخ به این سؤال که اگر دولت بتواند بخشی از برنامه‌های خود برای ناترازی را عملیاتی کند، تابستان آینده، برای صنایع چه وضعیتی پیش‌بینی می‌کنید، گفت: «اگر همان‌طور که اشاره شد، دولت موفق شود حدود ۱۲ هزار مگاوات ظرفیت جدید وارد مدار کند، وضعیت نسبت به امسال کمی بهتر خواهد بود. اما همچنان کمبود جدی وجود دارد، چون شکاف واقعی بین ۲۸ تا ۳۰ هزار مگاوات است. در نتیجه، ما هنوز با کسری روبه‌رو خواهیم بود. با این حال، اگر سرمایه‌گذاری مناسب انجام شود و حمایت‌های دولتی جدی باشد، می‌توان امیدوار بود که در یک بازه سه تا پنج‌ساله مشکل ناترازی برق به‌طور اساسی کاهش یابد. این البته مشروط به آن است که تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی نیز مانع‌تراشی نکنند.»

لسواف بار دیگر بر اهمیت موضوع انرژی تأکید کرد: «برق شریان اصلی اقتصاد است. بدون برق، حتی اگر سایر عوامل تولید فراهم باشد، تولید متوقف می‌شود. بنابراین دولت باید توسعه زیرساخت‌های برقی را مهم‌ترین اولویت خود بداند. این کار هم از طریق سرمایه‌گذاری در تولید و هم از طریق مدیریت مصرف امکان‌پذیر است. اگر این دو مسیر همزمان طی شود، می‌توان امیدوار بود که صنعت کشور از وضعیت بحرانی کنونی فاصله بگیرد.»

نمای داخلی از یک کارخانه تولید فولاد در استان خراسان جنوبی، در حالی که برق در آنجا قطع شده است.

۱۸ روز تولید ماهانه برای صنایع
در ادامه امین مقدم، فعال صنعت نساجی، در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد درباره وضعیت این صنعت توضیح داد: «ما سه شیفت کاری فعال بودیم اما عملاً در بسیاری از روزها، بیش از یک شیفت و نیم برق نداشتیم. در برخی دوره‌ها از شبیه تا دوشنبه، از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ شب برق قطع می‌شد و حتی اگر نیمه‌شب نیروها را سو کار می‌آوردیم، دوباره تا صبح خطوط سرد می‌ماند. درحالی‌که فقط برای راه‌اندازی دوباره دستگاه‌ها، دست‌کم دو ساعت زمان از دست می‌رفت.» او ادامه داد: «وضعیت به گونه‌ای بود که ژنراتور برق هم جوابگوی مصرف نبود. به ازای هر دقیقه، حدود ۴۰ لیتر گازوئیل نیاز داشتیم که تأمین آن عملاً ممکن نبود. نتیجه این شد که در طول تابستان، به‌جای ۳۰ روز کاری یک‌ماهه، تنها ۱۸ روز توانستیم تولید داشته باشیم. یعنی بیش از نیمی از ظرفیت ماه را از دست دادیم.»

مقدم تأکید کرد که خسارت‌ها فقط به توقف تولید محدود نشد. وی افزود: «هر روزی که تولید متوقف می‌شود، هزینه‌های ثابت پابرجاست. یعنی به‌رغم خاموشی و توقف تولید، دستمزد پرسنل، هزینه نگهداری تجهیزات و مواد اولیه همه سسر جایشان باقی می‌ماند و صنعتی ناگزیر از پرداخت آن است. در این بین از دست رفتن بازار و اعتماد مشتریان را هم باید اضافه کرد. هنوز جمع‌بندی دقیق مالی از تابستانی که گذشت نداریم، اما مطمئن باشید که ضررها بسیار سنگین‌تر از چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌آید.»

توسعه‌ای که متوقف شد

به گفته این فعال نساجی، یکی از پیامدهای قطعی برق، توقف برنامه‌های توسعه‌ای واحدهای صنعتی است. وقتی نتوانید حتی برای یک ماه آینده برنامه‌ریزی کنید، چطور می‌شود سرمایه‌گذاری جدید انجام داد؟ توسعه وابسته به امنیت و پیش‌بینی‌پذیری است. مقدم گفت: «همکاران من در تشکل‌های صنعت نساجی به‌شدت ناامید شده‌اند. حتی کسانی که قصد داشتند خط تولید جدید راه‌اندازی کنند، تصمیم خود را به تعویق انداختند. در سالی که شعار حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری داده شد، ما هم با قطعی برق روبه‌رو شدیم، هم با افزایش تعرفه‌ها و آزادسازی واردات تلنچی. برای صنعت نساجی، تعرفه واردات نخ کالاها از ۲میلیارد به حدود ۶میلیارد افزایش یافت. این فشار مضاعف، امکان رقابت را از ما گرفت و سرمایه‌گذاری را بی‌معنا کرد.» این فعال صنعتی معتقد است که بزرگ‌ترین نیاز صنایع، امنیت است: «وقتی امنیت اقتصادی نباشد، هیچ سرمایه‌گذار داخلی یا خارجی جرات ورود به تولید را ندارد. پس از آن، ثبات نرخ ارز مهم‌ترین عامل است. مهم نیست نرخ ارز ۸۰ هزار تومان باشد یا ۱۰۰ هزار، مهم این است که قابل پیش‌بینی باشد و هر روز تغییر نکند. اختلاف شدید نرخ ارز رسمی و آزاد فقط زمینه‌ساز فساد و رات می‌شود و اعتماد تولیدکننده را از بین می‌برد.»

با وجود انتقادات، مقدم نسبت به برنامه‌های اخیر برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نگاه مثبتی دارد: «در حوزه برق خوشبینانه اقداماتی آغاز شده است. هم بخش خصوصی و هم دولت وارد سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های خورشیدی شده‌اند. در شهرک‌های صنعتی مثل کاهه، مزرعه‌های بزرگ خورشیدی نصب شده و امیدواریم به زودی وارد مدار شوند. اگر این روند ادامه پیدا کند، بخشی از کسری ۲۵ هزار مگاواتی برق کشور جبران خواهد شد. اما انرژی خورشیدی تنها مسکنی موقت است. تا زمانی که نیروگاه‌های فعلی نوسازی نشوند، مشکل ناترازی برق به طور کامل حل نخواهد شد.»

نمای داخلی از یک کارخانه تولید فولاد در استان خراسان جنوبی، در حالی که برق در آنجا قطع شده است.

فعالیت‌های اقتصادی است و در کنار پیگیری موضوعاتی نظیر نرخ ارز، نرخ پایه بورس و عوارض صادراتی، باید در دستور کار تشکل‌ها قرار داشته باشد. در ادامه نشست، گزارشی از سفر هیات ایرانی شامل فعالان بخش خصوصی، مسولان دولتی و نمایندگان مجلس به افغانستان ارائه شد. اعضای کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق ایران به دنبال این گزارش، ضمن تأکید بر ظرفیت‌های معدنی افغانستان و لزوم توجه به توسعه همکاری‌های دوجانبه با این کشور، نبود زیرساخت‌ها در افغانستان را از موانع سرمایه‌گذاری معدنی در این کشور دانستند و مقرر کردند اگر هلدنک‌های بزرگ معدنی و فولادی کشور موفق به کار در این کشور شدند، برای سرمایه‌گذاری مستقیم و همکاری اقتصادی با افغانستان وارد عمل شوند.مجمین در این نشست گزارش عملکرد کار گروه حقوق دولتی نظام‌مهندسی معدن ایران در خصوص پروژه اصلاح نحوه محاسبه میزان حقوق دولتی معادن ارائه شد.

نمای داخلی از یک کارخانه تولید فولاد در استان خراسان جنوبی، در حالی که برق در آنجا قطع شده است.

دستمزد ۹ میلیون تومانی، بلای جان مجریان قانون



عرفان حمیدی – هیچ چیز مهیای داوری باکیفیت در فوتبال ایران نیست؛ این گزاره امروز بیش از هر زمان دیگری صحت دارد. در حالی که فوتبال مدرن بدون حضور داوران آماده و باتکنیزه قابل تصور نیست.

هیچ چیز مهیای داوری باکیفیت در فوتبال ایران نیست؛ این گزاره امروز بیش از هر زمان دیگری صحت دارد. در حالی که فوتبال مدرن بدون حضور داوران آماده و باتکنیزه قابل تصور نیست، در ایران شرایط به گونه‌ای رقم خورده که داوری نهنتها پیشرفتی نداشته بلکه با چالش‌های عمیق‌تر مواجه شده است. اگر قرار باشد عوامل متعددی که کیفیت داوری را تضعیف کرده بررسی کنیم، از آموزش‌های ناقص و کلاس‌های غیربهره‌ور گرفته تا استفاده ضعیف و غیر کاربردی از فناوری VAR، فهرست بلندبالایی به دست می‌آید. اما شاید بزرگ‌ترین ضربه را مسأله دستمزدها وارد کرده است؛ جایی که قضاوت در بالاترین سطح فوتبال کشور با درآمدی ناچیز همراه است و نمی‌تواند کوچک‌ترین انگیزه‌ای برای رشد و توسعه ایجاد کند.

معوذ بنیادی‌فر، داور بین‌المللی و سرلیست داوران الیت ایران، در مراسم رونمایی از پیرهان داوران به صراحت به این موضوع اشاره کرد. او گفت در حالی که داوران در لیگ‌های معتبر جهان برای هر بازی حدود ۱۵۰ دلار دریافت می‌کنند، در ایران این رقم تنها ۹ میلیون تومان است؛ رقمی که نه تناسبی با سختی کار و فشار روانی داوری دارد و نه می‌تواند کیفیت کار داوران را تضمین کند. به عبارت دیگر، وقتی جایگاه مالی و اجتماعی داور در مقایسه با مسئولیتی که بر دوش دارد تا این حد متزلزل باشد، انتظار عملکرد در سطح اول آسیا یا جهان انتظاری غیرمنطقی خواهد بود. فدراسیون فوتبال طی سال‌های اخیر بارها با درخواست داوران برای افزایش دستمزد

مواجه شده اما اغلب این مطالبات را نادیده گرفته است. نتیجه چنین بی‌توجهی روشن است: داورانی که از نظر مالی انگیزه کافی ندارند، نمی‌توانند خود را در شرایط حرفه‌ای نگه دارند و با وجود فشار بازی‌ها، ناگزیر از اشتباهات تکراری می‌شوند. امروز دیگر بر هواداران و کارشناسان پوشیده نیست که کیفیت داوری در لیگ برتر ایران در سطحی نازل قرار دارد و حتی استفاده از VAR نیز نتوانسته این ضعف‌ها را پوشش دهد. وقتی فناوری پیشرفته با آموزش ناکافی و نیروی انسانی کم‌انگیزه همراه شود، طبیعی است که نتیجه آن نه شفافیت، بلکه جنجال‌های تازه باشد.

آنچه نباید فراموش کرد این است که در نهایت، مسئولیت این وضعیت بر دوش داوران نیست. مجموعه مدیریتی فدراسیون فوتبال است که باید پاسخگو باشد. ایجاد ساختار حرفه‌ای برای داوری، به‌روز کردن دوره‌های آموزشی، انتخاب درست مدرسان بین‌المللی و مهم‌تر از همه، تأمین دستمزدی متناسب با شأن این حرفه، اقداماتی است که سال‌ها به تعویق افتاده است. تا زمانی که به داوری به چشم هزینه‌ای بی‌ثمر نگاه شود و نه سرمایه‌ای برای اعتبار لیگ، فوتبال ایران از حضور در جمع قدرتهای داوری قاره بازخواهد ماند. بنابراین، اگر قرار است تغییری در کیفیت داوری حاصل شود، این تغییر باید از مدیریت آغاز شود. دستمزدی که در شأن داوران باشد، نه یک امتیاز ویژه بلکه پیش‌شرطی بدیهی برای ارتقای فوتبال ایران است.

بنیادی‌فر: دستمزد داوران باید حداقل ۵۰ میلیون تومان باشد

معوذ بنیادی‌فر در خصوص شرایط دستمزد داوران لیگ ایران گفت: «ما نمی‌دانیم باید از چه کسی پیگیر کم بودن دستمزد داوران باشیم و امیدوارم اتفاقات خوبی در این زمینه برای تمامی داوران در هر سطحی که قضاوت می‌کنند، رخ دهد. دستمزد قضاوت در بازی‌های بین‌المللی با مسابقات داخلی قابل مقایسه نیست. داوران ایرانی حتی از هم‌نمایان خود در لیگ‌های کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، کره جنوبی و ژاپن نیز مبالغ کمتری دریافت می‌کنند. در برخی از این لیگ‌ها، داوران برای هر مسابقه تا ۱۵۰۰ دلار دستمزد می‌گیرند. ما در لیگ برتر برای هر بازی تنها ۹ میلیون تومان دریافت می‌کنیم. انتظار نداریم مبالغ دلازی دریافت کنیم، اما فشاری که روی داوران در هر مسابقه وجود دارد، بسیار بالاست و رقمی که به ما پرداخت می‌شود، در شأن داوران نیست. با توجه به سختی این شغل، به اعتقاد من هر داور باید برای قضاوت در لیگ برتر بالای ۵۰ میلیون تومان دستمزد دریافت کند. با توجه به تورم و مبالغ هنگفتی که در فوتبال جابجا می‌شود، دستمزد داوران نیز باید افزایش یابد. واقعاً نمی‌دانم در آمد حامیان مالی به حیب کدام نهاد واریز می‌شود، اما این پول‌ها به داوران نمی‌رسد. به ما گفته‌اند که از پول حامیان مالی برای بخش آموزش داوران استفاده می‌شود، اما امیدوارم در حوزه حق‌الزحمه داوران نیز از این منابع بهره گرفته شود.»

تاج: داوران باید پس از اشتباه عذرخواهی کنند

مهدی تاج در حاشیه مراسم رونمایی از البسه داوران لیگ برتری گفت: «داوران مورد همهجه هستند و کل مجموعه فدراسیون باید تلاش کنیم تا این همه را برداریم. یوسفی یک تکل در کافا رفت و اخراج شد در بازی فینال، کلی هم جریمه مالی شدیم. در تراکتور هم همین‌طور که جریمه‌اش را دادیم. فوتبال به این سمت پیش می‌رود و نباید از این قاعده مستثنی باشیم. توصیه‌ام به داوران عزیز این است اگر اشتباه کردید، عذرخواهی کنید. کار سخت و بدی نیست؛ انسان جایز‌الخطاست. احترام می‌گذاریم ولی این نیست که بگوییم هر کسی نمی‌تواند انتقاد کند. باید عذرخواهی داشته باشیم اگر اشتباهی داشتیم. VAR در خدمت داوران است و بسیار در داوری تأثیر دارد. هر صحنه امکان بازیبنی دارد و کمک‌کننده است. دستگاه‌های جدیدی در ۳٫۲ روز آینده می‌آید و ماشین‌های ون VAR خریداری شده و کارهایش را در بالاترین معاملات انجام بدهیم. بد است که ۲ هفته دستگاه در ایران باشد و بخرمی ولی کار اداری‌اش بماند. این ۲ گروه بودن و مجادله‌برانگیز بودن نفس داوری، این شرایط را پدید آورده. در این کار سخت و دستمزدهای ناچیز داوری که با هیچ بخش فوتبال اعم از بازیکن، مربی، تیمکشنشین و حتی لیدرها و ایجنته‌ها هم‌سان نیست، باز هم داریم داوران باشرافت و فرهیخته‌ای که جامعه داوری را تشکیل داده‌اند. هر فردی را برای قضاوت و داوری انتخاب نمی‌کنیم؛ داور باید مطمئن و عادل باشد. داور باید پذیرفته‌شده باشد.»

سهراب بختیاری‌زاده پیشکسوت خوزستانی فوتبال کشورمان درباره عملکرد استقلال خوزستان در پنج هفته ابتدایی لیگ می‌گوید: «شکل و عملکرد استقلال خوزستان در فصل جاری به گونه‌ای بوده که باید آن را تحسین کنیم. به کادرفنی و مدیریت این باشگاه خداقوت می‌گویم و امیدوارم در ادامه فصل نیز روند خوب این تیم حفظ شود. کار کردن با جوانان سختی‌های خاص خود را دارد، اما خلیفه‌اصل نشان داد می‌تواند به‌خوبی از استعدادهای جوان تیمش بهره‌برد و از این جهت به او دست‌میزمزد می‌گویم. از اینکه می‌بینم این تیم با کادر و بازیکنان بومی و جوان این‌گونه باکیفیت ظاهر شده احساس بسیار خوبی دارم. با توجه به محدودیت‌های مالی موجود، مدیریت باشگاه استقلال خوزستان مسیر خوبی را در بومی‌گرایی و جوانگرایی انتخاب کرد و امروز نتیجه آن را گرفته است. البته معتقدم نباید این تیم را از حیث نتیجه‌گیری تحت فشار و توقعات بالا قرار داد زیرا ممکن است باعث افت عملکرد مجموعه شود.» او درباره شرایط بحرانی مالی این تیم می‌گوید: «امروز مسئولان سیاسی و اقتصادی خوزستان موظفند به این تیم به‌صورت جدی رسیدگی کنند. تیم بومی و جوان است و عملکرد آن نیز به گونه‌ای بوده که جای هیچ‌گونه عذری را برای مسئولان باقی نمی‌گذارد؛ من در جایگاه کاپیتان و سرمربی چنین شرایطی را تجربه کرده‌ام و خوب می‌دانم اگر در زمان مناسب حمایت مالی از این باشگاه صورت نگیرد، ممکن است بحران شدیدتری به‌وجود بیاید که دیگر نشود کار را جمع کرد.»

توقع مردم باید از کشتی بالا باشد

فدراسیون کشتی‌تزی روز گذشته در مراسمی

مختصر و مفید از کشتی‌گیران مدال‌آور در مسابقات قهرمانی جهان تجلیل کرد. البته قرار نبود که خیلی هم مختصر و مفید باشد و اعلام شده بود که احمد دنیامالی وزیر ورزش و جوانان به همراه سیدحمید پورمحمدی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در این مراسم حاضر می‌شوند اما بنا به دلایلی حضور وزیر ورزش و جوانان و معاون رئیس‌جمهور منتفی شد اما با این حال علیرضا دبیر سعی کرد سر وعده خودش بماند و پاداشی که به کشتی‌گیران وعده داده بود را عملی کند.

علیرضا دبیر قبل از مسابقات کشتی قهرمانی جهان وعده داده بود که برای کسب مدال طلا ۳میلیارد تومان و برای مدال نقره ۷۰۰میلیون تومان و برای مدال برنز هم ۵۰۰میلیون تومان پاداش پرداخت کند. هنوز یک هفته از بازگشت تیم نگذشته که علیرضا دبیر با برگزاری مراسمی از این کشتی‌گیران تقدیر کرد. در این مراسم تمام کشتی‌گیران مدال‌آور و اعضای کادرفنی تیم ملی کشتی آزاد و فرنگی اعزامی به مسابقات قهرمانی جهان حضور داشتند و پاداش خود را گرفتند. این در حالی است که علیرضا دبیر وعده داده کشتی‌گیران طلایی به مدت یکسال ماهیانه صدمیلیون تومان هم حقوق دریافت کنند.

کشتی‌گیری که نقره کسب کردند، ۳۰۰میلیون تومان و مدال‌آوران برنز هم هر کدام ۱۵میلیون تومان حقوق می‌گیرند.

همین پاداش‌ها باعث شد تا علیرضا دبیر در مقابل خبرنگاران قرار بگیرد و از نقش مهم فدراسیون کشتی در پرداخت پاداش بگوید: «هیچ‌وقت در تاریخ، فدراسیون کشتی به مدال‌آوران جایزه نداده است اما ما از درآمدهای خودمان این کار را انجام می‌دهیم.» او با اشاره به کسب ۱۵مدال در این دوره از مسابقات قهرمانی جهان که برای اولین‌بار رخ می‌داد؛ ادامه داد: «ارزوهای ما خیلی بلندتر از قهرمانی در جهان است. امروز به لطف خدا کشتی ۱۵مدال در مسابقات جهانی گرفت. کشتی ورزش اول مملکت است و ۸۳درصد مدال‌های جهانی و المپیک ایران را کسب کرده است. ما محکم این مسیر را ادامه می‌دهیم. چرخه انتخابی تیم ملی قرار است طراحی شود. حتما کشتی‌گیری که طلا گرفتند نباید مثل سایر کشتی‌گیران دیده شوند. سخت کار کردن، باطل‌السحر است و ما یاد گرفتیم سخت کار کنیم. میرزازاده فردای روزی که طلای جهان گرفت تمرین را شروع کرد. همه بچه‌ها همین‌طور بودند.» دبیر همچنین گفت: «انتظار مردم باید از کشتی بالا باشد و مخلص آنها هستیم. برای همه رشته‌ها آرزوی موفقیت دارم. آن‌ور آبی‌ها سیانم‌امی می‌کنند. مثلاً می‌گویند ورزش ایران داغان است. مگر تیم ملی به جام جهانی نرفت؟ توقع دارید قهرمان شود؟ همینکه به جام جهانی می‌رود، افتخار است. والیبال جزو دوازده تیم برتر دنیاست. توکائودی ما جزو تیم‌های اول و دوم جهان است. وزنه‌برداری هم هفته بعد نتایج خوبی می‌گیرد. حالا این سیانم‌امی‌ها را به اقتصاد و فرهنگ هم سرایت می‌دهند. بله مشکلات اقتصادی وجود دارد. ۴۰سال است تحریم هستیم اما خدانشاکر رشد کردیم. اوضاع ورزش ما خوب است و به همه ورزشکاران افتخار می‌کنیم اما توزیع بودجه باید براساس عدالت و افتخار آفرینی هر رشته باشد.»



بختیاری‌زاده: به خلیفه‌اصل دست مریزاد می‌گویم



آیت شریفی ملی‌پوشن دسته وزنی ۱۱۰+ کیلوگرم تیم ملی وزنه‌برداری کشورمان چند روز پیش در آستانه اعزام به رقابت‌های جهانی ۲۰۲۵ نروژ در رکوردگیری تمرینی که با حضور مهدی علی‌نژاد دبیرکل کمیته ملی المپیک برگزار شد، زیر وزنه سنگین ۱۶۰کیلوگرمی آسیب دید.

او که در شرایط خوبی برای کسب مدال جهانی در دسته فوق سنگین به‌سر می‌برد، حالا به‌خاطر آسیبی که از ناحیه عضله ران درگیرش شده است، امکان دارد نتواند عملکرد فنی و رکوردی که از او در رقابت‌های جهانی توقع می‌رود را به نمایش بگذارد. با این حال رئیس کمیته پزشکی فدراسیون

وزنه‌برداری پس از معاینه شریفی و ویزیت او معتقد است که وضعیت شریفی بد نیست. اما باید منتظر ماند و دید که تا‌زمان اعزام چه شرایطی برای این ملی‌پوش به وجود خواهد آمد.

۳ روز استراحت برای شریفی تأیید شد

دکتر شیروانی رئیس کمیته پزشکی فدراسیون وزنه‌برداری درخصوص آخرین وضعیت آیت شریفی می‌گوید: «شرایط مصدومیت آیت

شریفی نسبتاً خوب است و امیدواریم که او نهایتاً پس از درمان و بازگشت به شرایط ایده‌آل تمرینی به مسابقات قهرمانی جهان برسد. عضله ران آیت شریفی آسیب دیده و خوشبختانه جزو عضلات اصلی ران نیست و از آسیب‌هایی است که هر هفته در رشته‌های سنگینی مثل وزنه‌برداری می‌بینیم. طبق معاینه‌ای که انجام دادم و قدرت عضله او را هم بررسی کردم، خوشبختانه شرایطش خوب بود و فعلاً درمان ضدالتهاب و توانبخشی را انجام می‌دهد. طبق چیزی که من دیدم، خیلی امیدوار هستم که به مسابقات قهرمانی جهان برسد و آن‌شاه‌ام‌ها با بهترین نتیجه هم مسابقات را تمام می‌کند. فعلاً سه روز برای او استراحت نسبی با تمرینات سبک در نظر گرفتیم و از روز چهارم می‌تواند تمرینات سنگین را انجام دهد.»

استرس بعد از مصدومیت طبیعی است

شیروانی در پاسخ به این پرسش که مصدومیت باعث ترس و نگرانی در ورزشکار می‌شود و با شریفی صحبتی داشته مبنی بر اینکه با نگرانی کمتری تمرینات را دنبال کند، گفت: «بله با او صحبت کردم. حتی از او تست هم گرفتیم که خیالش راحت باشد و بدون ترس و نگرانی بتواند تمریناتش را تا زمان اعزام به قهرمانی جهان انجام دهد. نزدیک مسابقات هستیم و شرایط پراسترس است. وظیفه ما این است به ورزشکار آرامش دهیم.»

کشف آسیب‌دیده داودی مشکلی ندارد

دکتر شیروانی در مورد آخرین وضعیت درد کپنه کتف علی داودی دیگر نماینده فوق‌سنگین کشورمان نیز تأکید دارد.

۱۸۰ دقیقه حیاتی پیش روی ساپینتو

نتایج مطلوب کسب کند.

بحران یا فرصت؟!

شرایط فعلی استقلال، آزمونی بزرگ برای ساپینتو محسوب می‌شود. او نه تنها باید با مدیریت فشار رسانه و هواداران مقابله کند، بلکه باید تیمی آماده و توانمند را در زمین ارائه دهد. دو بازی پیش‌رو فرصتی است تا سرمربی پرتغالی نشان دهد توانایی برگرداندن تیم به مسیر موفقیت را دارد. موفقیت در این دیدارها می‌تواند شایعات و نگرانی‌ها را کاهش دهد و شرایط را برای ادامه فصل مساعد کند.

در مقابل، ناکامی و ادامه روند فعلی می‌تواند به بحرانی واقعی در نیمکت استقلال منجر شود. شایعات، هشدارها و اظهارات غیررسمی مدیران باشگاه همگی نشان می‌دهند که زمان زیادی برای اصلاح اوضاع باقی نمانده است. ساپینتو اکنون در روزهای سرنوشت‌ساز قدم برمی‌دارد و اوضاع تیم و آینده خودش بشدت وابسته به عملکرد در این دو مسابقه حساس است.

با تمام ظرفیت

به طور کلی، استقلال در شرایطی قرار دارد که هیچ فرصتی برای تداوم ناکامی‌ها ندارد. شایعات درباره محدود بودن فرصت‌های ساپینتو، همدار رسانه‌ها و نگرانی مدیران باشگاه همگی گویای یک واقعیت روشن هستند: دو بازی پیش‌رو تعیین‌کننده آینده نیمکت استقلال خواهد بود. محبوبیت ساپینتو در میان هواداران می‌تواند مانع فشار روانی شود، اما عملکرد فنی تیم و نتایج مسابقات است که سرنوشت او را مشخص خواهد کرد. به همین دلیل، انتظار می‌رود سرمربی پرتغالی از تمامی ظرفیت‌ها و فرصت‌های باقی‌مانده بهره‌برد تا از مواجعه با بحران جدی جلوگیری کند و تیم را به مسیر موفقیت بازگرداند.



دو بازی تعیین‌کننده برای سرمربی پرتغالی

بدون شک، ساپینتو در ۱۸۰ دقیقه آتی باید تیمش را به مسیر پیروزی بازگرداند. شکست یا عملکرد ضعیف در این مسابقات می‌تواند مدیران را به اعمال اولتیماتوم‌های جدی وادار کند و حتی محبوبیت او میان هواداران نیز نتواند مانع انتقادهای شدید به او شود. تجربه نشان داده است که استقلال اگر نتیجه نگیرد، محبوب‌ترین چهره‌ها هم مصون نخواهند بود و به سرعت در مسیر انتقادهای سخت و بی‌رحمانه قرار می‌گیرند.

با این حال، ساپینتو هنوز از حمایت نسبی هواداران بهره‌مند است و محبوبیت او می‌تواند تا حدودی فشار روانی ناشی از شایعات و انتقادها را کاهش دهد. اما این حمایت‌ها تنها زمانی ارزشمند خواهد بود که تیم عملکرد خود را بهبود بخشد و

ورزش

دراقتصاد

دوشنبه ۱۱ اسفند ماه ۱۴۰۴ | شماره ۸۷۳

www.marzeghtesad.ir

▼ **تومم موهون**

دومین بازی سپاهان در لیگ قهرمانان آسیا

۲ قرار بود سه‌شنبه ساعت ۱۹:۳۰ در اصفهان مقابل تیم موهون باگان هند برگزار شود. در حالی که برخی از تیم‌های کشورهای حوزه خلیج‌فارس برای برگزاری دیدار راهی کشورمان شده بودند، این تیم هندی مثل سال گذشته باز هم از سفر به کشورمان امتناع کرد. با وجود این سپاهانی‌ها برای اینکه تیم هندی هیچ بهانه‌ای برای نیامدن نداشته باشد و مسابقه به نفع شاگردان نویدکام تمام شود، همه مقدمات بازی با موهون را آماده کرده بودند.

حتی نشست خبری پیش از بازی را هم در اصفهان در حضور نمایندگان کنفدراسیون فوتبال آسیا برگزار کردند تا همه بهانه‌ها گرفته شود و این در حالی بود که این باشگاه هندی طی بیانیه‌ای رسماً اعلام کرده است، برای بازی مقابل سپاهان به ایران نخواهد آمد. محرم نویدکیار در این کنفرانس خبری با اشاره به وضعیت تیمش در این رقابت‌ها گفت: «بازی اول را از دست دادیم و اگر بخواهیم صعود کنیم نباید بازی‌های خانگی را از دست بدهیم. از لحاظ روحی روانی بهتر شدیم. از لحاظ تاکتیکی مشکلاتی داریم که به مرور زمان به کمک کادرفنی حل خواهیم کرد، وضعیت تیم در حالت نرمال است.» او اشاراتی هم به مصدومان تیمش کرده است: «۴-۵ بازیکن مصدوم داریم، هادی محمدی تمرین با تیم را شروع کرده است اما سایر بازیکنان هنوز آمادگی کامل ندارند. بازیکن خارجی ما کیج پایش را باز کرده و شرایط بد نیست اما برای تمرین همراه تیم زود است البته دور از انتظار بود و فکر می‌کردم ممکن است مدت زمان بیشتری در اختیار تیم نباشد اما در عسکربداری پایش خیلی خوب جوش خورده و شکستگی ترمیم شده است. ۲-۳ هفته نیاز دارد تا به تیم اضافه شود و این خبر خیلی خوب بود، سایر بازیکنان مشکلی ندارند.»

محرم نویدکیا تنها به کنفرانس نیمه‌ه بود و امید نورافکن در نشست خبری بازی حضور داشت که قرار نبود برگزار شود. او هم درباره بازی با تیم موهون باگان هند که لغو شده، این جملات را به زبان آورد تا هیچ بهانه‌ای دست هندی‌ها نباشد: «ثروتی خوبی در این هفته‌ها داریم و یک پیروزی خوب در لیگ برتر کسب کردیم. فکر می‌کنم شرایط روحی تیم پس از کسب پیروزی مقابل تیم خیبر خراب‌آباد بسیار خوب است، مدل بازی تیم ما تهاجمی است و این کار را مقدری سخت‌تر می‌کند اما آماده هستیم که در این رقابت‌های آسیایی نتایج خوبی را برای تیم سپاهان کسب کنیم.»

این تیم هندی در رقابت‌های فصل گذشته هم از آمدن به کشورمان امتناع کرد. سپاهان و موهون ساگان هند هر دو در بازی‌های هفته اول مقابل تیم‌های الحسین اردن و آخال بزمه از زمین خارج شدند و بدون امتیاز در رده‌های سوم و چهارم جدول رده‌بندی این گروه قرار دارند. به این ترتیب سپاهان در صورت اعلام نتیجه سه بر صفر را در این رقابت‌ها از هندی‌ها هدیه خواهد گرفت و امیدوارتر در این مسابقات حضور خواهد داشت. در واقع نویدکیا و نورافکن به نشست رفتند تا هیچ بهانه‌ای دست هندی‌ها نباشد و در شرایطی که بسیاری از خارجی‌ها در ایران حضور دارند و در تیم‌های مختلف مشغول به‌کارند، چنین رفتاری هرگز قابل قبول نیست و کنفدراسیون فوتبال آسیا نیز برخورد لازم را خواهد کرد.

■.....■

▼ **بی احترامی یک بازیکن ، جرعه**

جدایی

هفته پیش خبر رسید که مهدی هاشمی‌نسب مربی صنعت نفت آبادان و دستیار مسعود شجاعی از سمتش استعفا داده است. آن روز این ذهنیت به وجود آمد که شاید دلیل تصمیم او نتایج نه چندان مطلوب نفت در لیگ آزادگان است. از آنجا که هاشمی‌نسب چه استقلال باشد، چه صنعت نفت یا هر تیم دیگری، اخبار پیرامنش خیلی زود انعکاس پیدا می‌کند. همین هم باعث شد تا خیلی زود در این باره اظهارنظر کند: «دلایلی وجود داشت، اما ترجیح می‌دهم تا سررسیده بماند، چون نمی‌خواهم برای تیم شهرم ایجاد حاشیه کنم. فقط می‌توانم بگویم که من آمده بودم تا به صنعت نفت کمک کنم ولی شرایط به سمتی برده شد که نتوانستم آن طوری که می‌خواستم کمک کنم و در نهایت از تیم زادگاهم جدا شدم. هیچ مشکل مالی و فنی هم وجود نداشت. برخی مواقع اتفاقاتی می‌افتد که انتظار آن را ندارید. کاری که در کادرفنی می‌کردیم همخوانی نداشت و نشد تا به همکاری ادامه دهیم. گذر زمان همه چیز را نشان می‌دهد و الان وقت قضاوت نیست.» همین چند جمله از هاشمی‌نسب کافی بود تا برای رسیدن به جواب کنکاش بیشتری انجام دهیم. وقتی مشکل مالی و فنی نیست، پس احتمالاً مشکل حاشیه‌ای است. در این میان صحبت‌های ناصر گوهرزی مدیرعامل باشگاه صنعت نفت آبادان بیشتر احتمال ما را به وقوع یک اتفاق حتی کوچک در تیم نزدیک می‌کند. او می‌گوید: «هاشمی‌نسب با شخص خاصی به‌صورت مستقیم مشکل نداشت. او از بازیکنان بزرگ آبادان بوده و در تیم ملی ایران و تیم‌های مطرح کشور به میدان رفته است. ما همچنان به بازگشت هاشمی‌نسب امیدوار هستیم و هنوز با او تسویه‌حساب نکرده‌ایم.

● دلار ۹۳،۴۰۰ ● یورو ۱۰۸،۸۲۰ ● پوند ۱۲۵،۴۸۰ ● درهم ۲۵،۵۵۰ ● لیر ۲،۳۰۰ ● سکه ۸۵،۴۵۰،۰۰۰ ● سکه بهار آزادی ۷۶،۶۱۰،۰۰۰ ● نیم سکه ۴۵،۲۰۰،۰۰۰ ● ربع سکه ۲۶،۷۴۰،۰۰۰ ● سکه گرمی ۱۴،۸۰۰،۰۰۰ ● طلای ۱۸ عیار ۷،۵۹۰،۰۰۰ ● طلای ۲۴ عیار ۱۰،۱۰۰،۰۰۰ ●

روزنامه
درد**اقتصاد**
www.marzeghtesad.ir

دوشنبه ۱۱ اسفندماه۱۴۰۴شماره۸۷۳

www.marzeghtesad.ir

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوبین
مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی
چاپ: جام جم
آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰
گستره توزیع : سراسری
شرکت توزیع : نشر گستر



بوتیک‌های خلوت در آستانه نوروز

مر تفضی اکبری – گزارش جدید شاخص مدیران خرید (شاخص) در دی ماه ۱۴۰۴، تصویری نگران کننده از وضعیت صنعت پوشاک و چرم ارائه می‌دهد. ثبت عدد ۳۰.۴ برای این صنعت که یکی از پایین ترین ارقام در میان تمامی فعالیت‌های صنعتی کشور محسوب می‌شود.

تحلیل وضعیت موجود نشان می‌دهد که رکود تورمی حاکم بر اقتصاد، تغییرات بنیادینی در سبد هزینه خانوارها ایجاد کرده است. با اولویت یافتن کالاهای اساسی نظیر خوراک و درمان، پوشاک عملا به کالایی لوکس یا غیرضروری تبدیل شده و از فهرست خریدهای فوری حذف شده است. همزمان، فضای روانی ناشی از تنش‌های منطقه‌ای و نااطمینانی‌های اقتصادی، میل به خرید را حتی در آستانه فصل پررونق پایان سال سرکوب کرده است.

در سوی دیگر ماجرا، تولیدکنندگان با بحرانی چندوجهی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. نوسان شدید نرخ ارز و تاخیرهای طولانی در تخصیص ارز، تامین مواد اولیه را به یک چالش تبدیل کرده و کمبود شدید سرمایه در گردش، نفس بنگاه‌های تولیدی را به شماره انداخته است. افزون بر این چالش‌های ساختاری، همه کالاهای قاچاق و استوک نیز رقابت‌پذیری تولید داخل را تضعیف کرده و سهم بازار تولیدکنندگان قانونی را بلعیده است. در چنین شرایطی، موانع تجاری و اختلال‌های زیرساختی نیز مزید بر علت شده تا حتی صادرات محدود این حوزه نیز با کندی مواجه شود. تداوم این روند نزولی که در آمارهای شاخص دی‌ماه خودنمایی می‌کند، زنگ خط تعطیلی واحدهای کوچک و متوسط و تعدیل نیروی گسترده در صنعت اشتغال‌زا را به صدا درآورده است. وضعیتی که بدون مداخله فوری سیاست‌گذاران برای تسهیل جریان نقدینگی می‌تواند به بحرانی غیرقابل بازگشت تبدیل شود.

فشار چندجانبه بر تولیدکنندگان پوشاک

امین مقدم، عضو هیات‌مدیره اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک ایران، درباره عوامل موثر بر رکود در صنعت پوشاک و چرم در دی ماه ۱۴۰۴ در گفتگو با «دنیای اقتصاد» توضیح داد: سه عامل اصلی را می‌توان در بروز این وضعیت موثر دانست: نخست، تغییر اولویت‌های هزینه‌ای خانوارها است. در سبد مصرفی خانواده‌ها، تامین معیشت و اقلام ضروری غذایی در اولویت نخست قرار دارد. پس از آن هزینه‌های بهداشتی و درمانی مطرح می‌شود و در نهایت پوشاک در فهرست تامین نیازهای خانواده‌ها جای می‌گیرد. حتی در حوزه پوشاک نیز معمولا تامین نیاز فرزندان بر والدین مقدم است. با افزایش قابل توجه هزینه‌های خوراک و مایحتاج روزمره، بخش قابل توجهی از درآمد خاوار صرف تامین نیازهای اساسی شده و تقاضا برای خرید پوشاک کاهش یافته است. عامل دوم، تاثیر فضای روانی حاکم بر جامعه است.

ناامیدی‌ها و بی‌امدهای ناشی از تنش‌های منطقه‌ای، بر روحیه عمومی اثر گذاشته و سطح امید و تمایل به مصرف را کاهش داده است. در چنین شرایطی، خرید پوشاک در اولویت تصمیم‌گیری اقتصادی خانوارها قرار نمی‌گیرد. سومین عامل به مشکلات بخش تولید بازمی‌گردد. تولیدکنندگان در تامین مواد اولیه با چالش‌های جدی مواجه هستند. فرایند تخصیص ارز با تاخیرهای طولانی همراه است و برخی فعالان این صنعت بیش از چند ماه است که منتظر دریافت ارز و تامین مواد اولیه هستند. علاوه بر این، افزایش چشم‌گیر قیمت موادی مانند پلی‌استر و بالاتر بودن بهای برخی ناهاده‌ها نسبت به قیمت‌های جهانی، قدرت رقابت‌پذیری تولید داخلی را کاهش داده است. در نتیجه، قیمت تمام‌شده کالاهای افزایش یافته و در مقابل، برخی کالاهای هم به‌صورت قاچاق وارد می‌شوند. ورود کالای قاچاق با قیمت پایین‌تر هم فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان داخلی وارد می‌کند.

اینفوگرافیک

برای محافظت از دستگاه‌های هوشمند در برابر تهدیدات فیزیکی، فایلهای مهم، ضروری را پاک کرده و در قدم بعدی از رمزگذاری یا روش‌های تأیید هویت Biometrics استفاده کنیم.



جدال لفظی تر امپ با خواننده معروف

بروس اسپرینگستین خواننده مشهور آمریکایی که ترانه «تولود آمریکا» را در کارنامه دارد، گفت که اهمیتی نمی‌دهد ترامپ درباره او چه فکر می‌کند و باور دارد، او باید به زباله‌دان

بهموقع در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد، امکان برنامه‌ریزی و تداوم تولید افزایش می‌یابد. همچنین، در صورت تقویت تقاضای داخلی، به‌ویژه در ماه‌های پایانی سال و ایام منتهی به نوروز، می‌توان انتظار داشت بازار تا حدی از رکود خارج شود. در همین راستا، برخی اقدامات حمایتی با همکاری نهادهای دولتی برای تقویت این صنعت و تحریک تقاضا در دستور کار قرار گرفته است. با این حال، اگر همچنان صف‌های طولانی برای تخصیص ارز پابرجا بماند و مشکلات پیشین در تامین مواد اولیه و سرمایه در گردش ادامه یابد، خطر کاهش ظرفیت تولید و حتی تعطیلی برخی کارخانه‌ها دور از انتظار نخواهد بود. این مساله می‌تواند به تشدید بیکاری در این بخش منجر شود.

مقدم درباره آینده صنعت نساجی در صورت ادامه شرایط فعلی پیش‌بینی کرد: در صنعت نساجی اصطلاحی رایج است مبنی بر اینکه اگر حلقه پایانی زنجیره به حرکت درآید، کل زنجیره را با خود همراه می‌کند. در این صنعت، بخش‌های انتهایی زنجیره یعنی کالاهای نهایی مانند پوشاک و سایر محصولاتی که مستقما به دست مصرف‌کننده می‌رسد، نقش لکوموتیو را ایفا می‌کنند و رونق آنها برای توادن به تحرک در کل زنجیره تولید، از تامین مواد اولیه تا تولید نخ و پارچه، منجر شود. برآوردها نشان می‌دهد گردش مالی صنعت نساجی و پوشاک ایران حدود ۱۸میلیارد دلار است، اما سهم ایران از بازار جهانی حدود یک درصد برآورد می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد ظرفیت تقاضا در بازار به‌جز منطقه بالاست و امکان توسعه صادرات وجود دارد. با توجه به مزیت‌هایی مانند نیروی کار و انرژی نسبتا ارزان، امکان حرکت به سمت صادرات‌محور شدن فراهم است.

او گفت: در همین راستا، فعالان صنعت نساجی و پوشاک تلاش کرده‌اند حضور پررنگ‌تری در نمایشگاه‌های بین‌المللی داشته باشند. حتی قرار است نمایشگاه بزرگی در مسکو برگزار شود که هر ساله شرکت‌هایی از کشورهای مختلف در آن حضور دارند و بنگاه‌های ایرانی نیز در تلاش دریافت غرفه و معرفی محصولات خود هستند. بنابراین، در صورت حمایت جدی دولت و سازمان توسعه تجارت برای تسهیل حضور در نمایشگاه‌ها، ازجمله نمایشگاه اوساچیا، می‌توان بخشی از مشکلات صنعت را از مسیر افزایش صادرات کاهش داد. در غیر این صورت، تداوم چالش‌های فعلی در شاخص‌هایی مانند شاخص نیز بازتاب خواهد یافت. امید است روند شاخص‌ها در ماه‌های آینده به سمت بهبود حرکت کند.

تولید در منگنه رکود و قاچاق

سعید جلالی قدیری، دبیر اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک ایران، در پاسخ به این پرسش که اکنون صنعت پوشاک در چه وضعیتی قرار دارد، به «دنیای اقتصاد» گفت: در سال گذشته، صنعت پوشاک تحت‌تاثیر کاهش قدرت خرید خانوارها با چالش‌های جدی مواجه شده است. کوچک‌تر شدن سبد هزینه‌ای مردم و نوسان نرخ ارز که به افزایش بهای مواد اولیه انجامید، موجب رشد قیمت تمام‌شده محصولات و افت فروش در سال ۱۴۰۳ شد. در سال ۱۴۰۴ نیز این روند ادامه یافت. وقوع جنگ ۱۲ روزه در خردادماه عملا به تعطیلی حدود دو ماهه بازار انجامید و هنوز بازار به شرایط عادی بازنگشته بود که تحولات اخیر بار دیگر فضای کسب‌وکار را تحت‌تاثیر قرار داد و فروش کاهش یافت. همزمان، نوسان ارزی و طرح حذف ارز ترجیحی از سوی بانک مرکزی، به افزایش بیشتر قیمت کالاهای مصرفی دامن زد. در چنین شرایطی، خانوارها ناچار به تغییر اولویت‌های مصرفی خود شده‌اند و تمرکز را بر تامین مایحتاج روزانه گذاشته‌اند که شاخص‌های اقتصادی نیز آن را تایید می‌کنند. به همین دلیل، خرید پوشاک که پیش‌تر متناسب با هر فصل انجام می‌شد، اکنون به تهیه حداقلی برای دو فصل گرم و سرد محدود شده است. حتی خریدهای مناسبتی شب عبید نیز نسبت به گذشته کاهش چشم‌گیری داشته و اسمال شرایط نسبت به سال قبل بحرانی‌تر ارزیابی می‌شود. پیامد این تحولات در شاخص مدیران خرید (شاخص) نیز منعکس شده است. زیرا در فضایی که تقاضا برای کالاهای غیرضروری کاهش می‌یابد، طبیعی است که شاخص‌های بخش پوشاک نیز با افت مواجه شوند.

او با اشاره به تاثیر قاچاق بر وضعیت صنعت اظهار کرد: صنعت پوشاک در کنار مشکلات ذکر شده، با چالش جدی قاچاق نیز مواجه است. در سال‌های اخیر، الگوی قاچاق تغییر کرده و به‌جای تمرکز بر واردات برندهای شناخته‌شده، به سمت ورود کالای استوک حرکت کرده است که این کالاهای با قیمتی پایین‌تر از هزینه تمام‌شده تولید به فروش می‌رسند. گسترش این روند به‌صورت سالانه، فشار مضاعفی بر واحدهای تولیدی وارد کرده و سهم بازار تولید داخل را کاهش داده است. در نتیجه، افت تقاضا و کاهش فروش، خود را در نزول شاخص در بخش‌های پوشاک، چرم و حتی منسوجات خانگی نیز نشان می‌دهد. قدیری با اشاره به نقش تامین مواد اولیه و سرمایه در گردش در مشکلات تولیدکننده پوشاک در تشدید مشکلات تولید تصریح کرد: به‌دنبال رشد نرخ تورم و نوسان مستمر نرخ ارز، سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، به‌ویژه در صنعت پوشاک، روبه‌رؤز کوچک‌تر شده و عملا بخش قابل‌توجهی از سرمایه اصلی بنگاه‌ها در حال کاهش است. در این میان، یک پارادوکس قابل توجه نیز شکل گرفته است و قیمت پوشاک هنگام با نرخ تورم عمومی افزایش نمی‌یابد و حتی در مقایسه با بسیاری از کالاهای دیگر، رشد قیمتی کمتری را تجربه می‌کند. چرا که قدرت خرید مصرف‌کنندگان کاهش یافته و تقاضای موثر در بازار وجود ندارد. در نتیجه این رکود تقاضا، منابع مالی جدیدی به چرخه تولید بازمی‌گردد و جریان نقدینگی در زنجیره تامین تضعیف می‌شود. این در حالی است که قیمت مواد اولیه، متاثر از نرخ‌های جهانی و همزمان با نوسان نرخ ارزی، روندی افزایشی دارد. به این ترتیب، تولیدکننده با افزایش هزینه‌های تامین مواد اولیه مواجه است، بی‌آنکه اطمینان داشته باشد امکان تهیه این مواد را با قیمت مناسب خواهد داشت یا نتواند محصول نهایی را در بازار به فروش برساند. همزمان با دشواری تامین مواد اولیه، بازار فروش نیز کوچک‌تر شده و حجم معاملات کاهش یافته است. در چنین شرایطی، موضوع تامین مالی زنجیره‌ای با همکاری بانک‌ها و موسسات مالی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در صنعت پوشاک، گردش نقدی به معنای سنتی آن کمتر وجود دارد و بخش عمده معاملات به‌صورت اعتباری انجام می‌شود. از این رو، با محدود شدن نقدینگی و قفل شدن سرمایه در گردش در شبکه بانکی، حرکت به سمت سازوکارهای تامین مالی زنجیره‌ای می‌تواند راهکاری برای حفظ تداوم تولید باشد. در غیر این صورت، بخشی از تولید کنندگان، به‌ویژه واحدهای کوچک و متوسط، در معرض حذف از بازار خواهند گرفت. این فعال حوزه نساجی درباره چشم‌انداز آینده صنعت پوشاک عنوان کرد: به‌رغم مشکلات گسترده، صنعت پوشاک تاب‌آوری خود را حفظ کرده است. زیرا بازار پوشاک یک بازار مصرفی است و کاهش قدرت خرید مردم می‌تواند مقاومت آن را تضعیف کند. دولت گاهی برای حمایت از معیشت مردم اقدام می‌کند، اما در حوزه پوشاک اقدام موثری دیده نشده است. بنابراین، برای تحریک بازار، نیاز به برنامه‌ریزی اساسی از سوی دولت وجود دارد، زیرا این صنعت حدود یکمیلیون شغل ایجاد کرده و برای همین حفظ تاب‌آوری آن اهمیت بالایی دارد.

عکس نوشت



کارتون



مهرکوردشکنی بیت کوین

رود رمزارزها به حساب‌های بانزشتنگی، استقبال گسترده شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران و همچنین سیاست‌ها و حمایت‌های دونالد ترامپ از بازار کریپتو را باید از دلایل این رشد دانست. بیت‌کوین رمزارز محبوب جهانی، بار دیگر تحت تاثیر تحولات سیاسی و اقتصادی ایالات متحده دچار نوسانات قیمتی شد و روز پنج‌شنبه به اوج تاریخی خود رسیدند. بیت‌کوین از ابتدای سال جاری تاکنون رشدی ۳۲ درصدی را تجربه کرده و برای نخستین بار توانست کانال ۱۲۴ هزار دلاری را پشت سر بگذارد. اتریوم نیز از این روند بی‌نصیب نماند و از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون افزایش ۵۱ درصدی را ثبت کرده و به بالای ۴۷۰۰ دلار رسید.

این روند نه تنها به دلیل استقبال گسترده شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران نهادی است، بلکه سیاست‌ها و حمایت‌های دولت آمریکا نیز نقش مهمی در تقویت این موج داشته‌اند. درحالی‌که برخی کارشناسان نگران نوسانات بازار هستند، بسیاری دیگر بیت‌کوین را به عنوان یک شاخص جدید برای سنجش ریسک‌پذیری و جذابیت سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی می‌بینند.

چرایی رکورد بیت‌کوین

بیت‌کوین و اتریوم بار دیگر در مسیر صعودی قرار گرفتند و بازار رمزارزها را تحت تاثیر خود قرار دادند. انتظارات برای سیاست پولی آسان‌تر و تحولات مثبت در مقررات مالی باعث شده سرمایه‌گذاران اعتماد بیشتری به این دارایی‌ها پیدا کنند.

تحلیلگران می‌گویند رشد بیت‌کوین و اتریوم نه تنها ناشی از خریدهای مداوم موسسات مالی است، بلکه اقدامات دولت برای تسهیل سرمایه‌گذاری در دارایی‌های دیجیتال نیز نقش مهمی داشته است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این روند صعودی می‌تواند ادامه یابد و رشد قابل توجه‌تری در راه باشد.

با تغییرات مقرراتی اخیر، بازار رمزارزها حالا محبیطی مثبت‌تر برای سرمایه‌گذاران پیدا کرده است. ورود رمزارزها به حساب‌های بانزشتنگی، فرصت‌های تازه‌ای برای مدیران دارایی ایجاد کرده و نشان می‌دهد این بازار بیش از گذشته در مرکز توجه قرار دارد. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که نوسانات همچنان بالا است و سرمایه‌گذاران باید با دقت و احتیاط عمل کنند. به دنبال این تحولات، ارزش کل بازار دیجیتال به بیش از ۴،۱۸ تریلیون دلار افزایش یافته است، درحالی‌که چند ماه قبل این رقم حدود ۲،۵ تریلیون دلار بود. فرمان اجرایی جدید دولت آمریکا دسترسری به دارایی‌های دیجیتال را در حساب‌های بانزشتنگی (K) ۴۰۱ آسان‌تر کرده و می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای برای مدیران دارایی بزرگ فراهم کند. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که نوسانات این بازار همچنان بالاست و سرمایه‌گذاران باید جانب احتیاط را رعایت کنند. کارشناسان معتقدند ترکیبی از خریدهای گسترده شرکت‌ها و حمایت‌های دولتی عامل اصلی این افزایش قیمت بوده است. «اندرو پیس»، مدیر سرمایه‌گذاری آسیا-پاسفیک در شرکت Russell Investments. بیت‌کوین را به «سنس‌خای پیشرفته‌ای از شاخص نزدک» تشبیه کرده و تاکید می‌کند که این دارایی دیجیتال اکنون به یک معیار مهم برای سنجش ریسک‌پذیری در بازارهای مالی تبدیل شده است. یکی از محرک‌های اصلی این رشد، فعالیت شرکت‌های موسوم به «خرزانه‌های بیت‌کوین» است. این شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت «Strategy» به رهبری مایکل سیلور، برای خرید بیت‌کوین و دیگر رمزارزها از ترکیبی از بدهی و سهام استفاده می‌کنند. در حال حاضر، حدود ۱۶۵ شرکت عمومی در جهان بخشی از دارایی‌های خود را به بیت‌کوین اختصاص داده‌اند. خریدهای گسترده این شرکت‌ها یک حلقه بازخورد مثبت ایجاد کرده و باعث شده بازار بیت‌کوین از یک تجربه نوآورانه سرمایه‌گذاری، به یک منبع ساختاری فشار خرید تبدیل شود.

در کنار نقش شرکت‌ها، حمایت‌های دولتی نیز زمینه رشد قیمت بیت‌کوین را فراهم کرده است. فرمان اجرایی رئیس‌جمهور وقت، دونالد ترامپ، اجازه داد برنامه‌های بانزشتنگی آمریکا بتوانند در دارایی‌های جایگزین از جمله رمزارزها سرمایه‌گذاری کنند. این تصمیم، مسیر روود گسترده سرمایه موسسات بزرگ به بازار کریپتو را همسوار کرد و تقاضا برای بیت‌کوین و دیگر رمزارزها را افزایش داد.

رشد اخیر بیت‌کوین همچنین همزمان با عرضه اولیه موفق سهام صرافی رمزارزی «Bullish» در بورس نیویورک رخ داد. این صرافی که توسطمیلیارد تکنولوسژی، پیتر تیل، حمایت می‌شود، توانست ۱،۱میلیارد دلار سرمایه جذب کند و قیمت سهام آن با افزایش قابل‌توجهی روبه‌رو شد.

این موفقیت نشان‌دهنده اعتماد شدید سرمایه‌گذاران به بازار رمزارزها و پتانسیل بالای شرکت‌های فعال در این حوزه است. البته ناگفته نماند که انتشار داده‌های تورمی آمریکا باعث شد تحلیلگران دیدگاه‌های متعددی ارائه کنند و در پی آن، نوسانات قیمتی بیت‌کوین و اتریوم افزایش یابد. این روند موجب عقبرگرد هر دو دارایی از رکوردهای قبلی خود شد.



بسیاری از کارکنان در اقصی نقاط جهان، ناگهان دورکار شدند. دورکاری که زمانی یک آپشن لوکس محسوب می‌شد حالا در برخی شرکت‌ها اجباری شده بود